

تصمیم ملایم اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی

● تماس در سطح وزیران اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی به تعلیق در آمد
● به مأموران اطلاعاتی و امنیتی ویزای سفر به اروپا داده نمی شود

اعمال هر گونه مجازات و اقدام «تنبیهی» اقتصادی مخالف بودند. بعد از گفتگوی طولانی آنها توافق کردند: دیدار در سطح وزیران را با جمهوری اسلامی به تعلیق در آورند. به سیاست «دیالوگ انتقادی» که از سال ۹۲ بین اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی جریان داشته است، پایان دهند. از دادن ویزا به مأموران امنیتی جمهوری اسلامی برای سفر به کشورهای اروپایی خودداری کنند. اخراج آن دسته از مأموران امنیتی جمهوری اسلامی را که در خاک اروپا بسر می برند، مورد بررسی قرار دهند. به سیاست ممنوعیت صدور اسلحه به

وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا روز سه شنبه ۲۹ آوریل در بروکسل گرد هم آمدند تا در باره آینده مناسبات سیاسی و اقتصادی خود با جمهوری اسلامی تصمیم بگیرند. در حالی که وزیران امور خارجه در داخل ساختمان شورای وزیران در حال بحث و گفتگو بودند، بیش از ۲ هزار ایرانی مخالف رژیم در برابر ساختمان شورای وزیران به عنوان اعتراض به تروریسم جمهوری اسلامی اجتماع کرده بودند و از دولت های اروپایی می خواستند به مشاقت با رژیم اسلامی در ایران پایان دهند و در برابر تروریسم این رژیم به اقدامات قاطعی دست بزنند. جمعی از تظاهرکنندگان خواهان آن بودند که هر گونه مناسبات اقتصادی و سیاسی با جمهوری اسلامی مشروط به مراعات حقوق بشر در ایران باشد و جمعی دیگر خواستار قطع کامل مناسبات اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی بودند.

در اجلاس، وزرای خارجه دانمارک، بریتانیا و آلمان خواهان برخورد قاطع تر و به تعلیق در آوردن کمیسیون بازرگانی مشترک اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی بودند. فرانسه، ایتالیا و یونان با

ایران و کنترل معاملات تسلیحاتی جمهوری اسلامی ادامه دهند و کشورهای عضو از طریق کمیته سیاسی اتحادیه، سیاست هماهنگی را در برابر جمهوری اسلامی پیش گیرند. آنان از جمهوری اسلامی خواستند به ترور مخالفان رژیم و نقض قوانین بین الملل پایان دهد. آنان همچنین تصمیم گرفتند سفیران کشورهای عضو اتحادیه اروپا را که از ایران فراخوانده شده بودند، دوباره به تهران بازگردانند. تصمیم به بازگشت سفیران اعضای اتحادیه اروپا به دنبال مخالفت خامنه ای با بازگشت سفیر آلمان به تعویق افتاد.

در اجلاس بروکسل از ۱۰ کشور اروپای میانه و شرقی که داوطلب عضویت در بازار مشترک اروپا هستند خواسته شد در مناسبات خود با جمهوری اسلامی از تصمیمات اجلاس بروکسل پیروی کنند. از تصمیمات وزرای خارجه اتحادیه اروپا احزاب، گروه ها و شخصیت های ترقیخواه و سازمانهای مدافع حقوق بشر ناراضی هستند. مردم ایران و جهان با توجه به چنانچه کارهای جمهوری اسلامی و نقض خشن حقوق بشر در ایران انتظار داشتند که در اجلاس بروکسل تصمیمات مؤثرتری برای وادار کردن رژیم به رعایت حقوق بشر در ایران و موازین بین المللی اتخاذ شود.

تعویق بازگشت

سفیران کشورهای عضو اتحادیه اروپا به تهران

● وزیر امور خارجه هلند: اگر در تهران سفیر آلمان را نپذیرند سفیران دیگر هم نمی روند
● خامنه ای: دولت فعلاً سفیر آلمان را به ایران راه ندهد

در صفحه ۳



اول ماه مه روز جهانی کارگر گرامی باد

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به کارگران و زحمتکشان ایران

بمناسبت روز جهانی کارگر

برای برپائی سندیکاهاى آزاد
و آزادى احزاب سیاسى

امنیت شغلی، دستمزد بیشتر،
سندیکای مستقل

جنبش سندیکائی اروپا:
شرایط نو، وظایف نو، چشم اندازهای نو

تظاهرات گروهی از ایرانیان مخالف رژیم در لوکزامبورگ

افشای اسامی کلیه عوامل تروریستی جمهوری اسلامی، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی از جمله فرج سرکوهی و تشکیل یک دادگاه بین المللی به منظور محاکمه سران تروریست جمهوری اسلامی درخواست شده است.

همچنین حیاتی از سوی این بخش از تظاهرکنندگان به همراهی خانم فریده سرکوهی با معاون ریاست اجلاس شورای وزیران دیدار کرد.

سازمان مجاهدین خلق هواداران خود را گرد آورده بود. در قطعنامه ای که به مناسبت همین تظاهرات از سوی گروه های فوق الذکر چاپ انتشار یافت ضمن پشتیبانی از رای تاریخی دادگاه برلین، سیاست مداخلات طلبانه از جانب دول خارجی نسبت به رژیم تروریستی جمهوری اسلامی محکوم شد. و بازگشائی و بررسی مجدد پرونده تروهای قبلی جمهوری اسلامی،

در روز ۲۹ آوریل مقارن با اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای اتحادیه اروپا در برابر مقر این اجلاس تظاهرات وسیعی صورت پذیرفت. این تظاهرات در دو گروه مجزا انجام یافت. در سویی به دعوت حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، سازمان فدائیان (اقلیت) و سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر)، جمعی از ایرانیان اجتماع کرده بودند. در سویی دیگر

اتحادیه اروپا در برابر جمهوری اسلامی:

سر شکستگی خودخواسته

روز بعد از اعلام رأی دادگاه میکونوس، رفسنجانی در نماز جمعه تهران اظهار امیدواری کرد که «رعد و برق» در آسمان روابط جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا به زودی برطرف شود. رفسنجانی با یادآوری اینکه هشت سال پیش نیز اروپایی ها پس از صدور فتوای قتل سلمان رشدی، سفرای خود را از تهران فرا خواندند، گفت این بار نیز مانند بار قبلی، سفرای اروپایی پس از مدتی با «خضوع» باز خواهند گشت. سه شنبه هفته گذشته، هنگامی که وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نشست خود در لوکزامبورگ تصمیم گرفتند سفرای خود را به تهران بازگردانند، پیش بینی رفسنجانی تحقق یافت. با این حال، شادمانی احتمالی رئیس جمهوری اسلامی از برطرف شدن ابرهای تیره در مناسبات با اتحادیه اروپا، ۲۴ ساعت نیز به طول نینجامید. خامنه ای که در این روزهای افول ستاره بخت رفسنجانی، «رهبر» بودن خود را بیش از پیش می آزماید، در دستور مستقیمی به وزارت خارجه حکومت اسلامی، ورود سفرای آلمان و دانمارک را به عنوان اشخاص نامطلوب ممنوع کرد. سر شکستگی خودخواسته اتحادیه اروپا، به اوج خود رسید.

رهبری جمهوری اسلامی در اقدام غیرمنتظره خود، بدون شک به قماري با ریسک بالا دست زده است. تأکیده های مکرر سیاستمداران اروپایی بر اهمیت ایران برای سیاست خارجی اتحادیه اروپا، آخوندهای حاکم در تهران را به این نتیجه رسانده است که اتحادیه اروپا در رابطه اش با جمهوری اسلامی، ناگزیر از باج دهی است. باجی که این بار حکومت اسلامی از اروپا می طلبد، بسیار گران است: چشم پوشی کشورهای اروپایی از دنبال کردن و جلوگیری از فعالیت تروریستی جمهوری اسلامی در قلب اروپا. ریسکی نیز که خامنه ای با فرمان اخیر خود پذیرفته است، کوچک نیست: تیرگی باز هم بیشتر مناسبات ایران و اتحادیه اروپا و به ویژه آلمان. فرصت طلبی مداوم و مکرر دیپلماسی اروپایی در برخورد به تهران، خامنه ای را در دست زدن به این قمار پرخطر، جری کرده است. او امیدوار است تحقیری که بر اروپایی ها و به ویژه آلمانی ها روا داشته، بی پاسخ شایسته و حکم تاریخی دادگاه برلین، بدون نتایج سیاسی ضرور بماند. حرف خامنه ای به اروپایی ها این است که اگر رابطه با ما را می خواهید، ناچارید ما را همانگونه که هستیم بپذیرید: سرکوبگر، تروریست و بی اعتنا به قوانین و حقوق بین المللی. خامنه ای از اتحادیه اروپا می خواهد برلین ۱۹۹۷ را فراموش کند و وین ۱۹۸۹ را سرمشق قرار دهد.

رهبر جمهوری اسلامی روی تفرقه و عدم هماهنگی در سیاست خارجی کشورهای اروپایی حساب باز کرده و تنها سفرای آلمان و دانمارک را مهمان ناخوانده نامیده است. به این امید که سایر اعضای اتحادیه اروپا، همبستگی با آلمان و دانمارک را فراموش کنند و خارج از چارچوب هماهنگ شده اتحادیه، در اعزام سفرای خود به تهران بشتابند. این امید خامنه ای، چندان هم بی چشم انداز نیست: یونان به عنوان اتحادیه اروپا، در اجرای تصمیم اخیر اتحادیه برای فراخواندن سفرای، تعللی معنی دار به خرج داد. برخی دیگر از رویدادهای سال های اخیر در ارتباط با سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز نشان داده است که این اتحادیه، در هماهنگ کردن مشی جهانی خود، دشواری هایی جدی دارد. از آچمز شدن اروپا در بحران بالکان گرفته تا برخورد به چین (اندکی پیش از بحران اخیر در روابط اروپا و

ادامه در صفحه ۲

شکاف در میان مدرسان حوزه علمیه قم

بر سر کاندیداتوری ناطق نوری

● آیت الله کریمی مدرس حوزه علمیه: مگر ما عضو جامعه مدرسان نیستیم که به

صراحت اعلام مخالفت کرده ایم

● بیانیه خامنه ای برای محدودیت تبلیغاتی روزنامه های مخالف ناطق نوری

در حالیکه بیشتر از دو هفته به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری باقی نمانده جنگ جناح ها برای رسیدن به کرسی ریاست جمهوری و فشار طرفداران ناطق نوری بر مخابره های بالا گرفته است. خامنه ای که تاکنون به عدم مداخله در درگیری جناح ها تظاهر می کرد و رسماً به خاتمی کاندیدای جامعه روحانیون مبارز و کارگزاران وعده داده بود به نفع ناطق نوری در انتخابات ریاست جمهوری دخالت نکند، پا به میدان گذاشته و صراحتاً از روزنامه هایی که تمایل بیشتری به پیروزی خاتمی دارند، خواسته است به تبلیغات خود پایان دهند. تبلیغات خامنه ای هفته گذشته در بیانیه ای

خطاب به کمیسیون تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری که زیر نظر و با مسئولیت رفسنجانی عمل می کند نوشت: «ضرورت دارد از طرف کمیسیون محترم به روزنامه های همشهری، ایران، اطلاعات و کیهان و هر مجله و نشریه دیگری که از بیت المال و اموال عمومی استفاده می کنند تذکر داده شود که به هیچ وجه حق ندارند در امر انتخابات ریاست جمهوری به مثابه ارگان یک جناح و یا جریان خاص عمل نمایند». هیچ یک از چهار روزنامه ای که خامنه ای از آنان اسم برده است از ناطق نوری کاندیدای جامعه روحانیت مبارز حمایت نمی کنند. «همشهری» و «ایران» علناً

انتخابات
ریاست جمهوری
و موضع ما
در صفحه ۲

تهاجم افراد
مسلح به دکتر
حبیب الله پیمان
کاندیدای انتخابات
ریاست جمهوری

دکتر حبیب الله پیمان رهبر جنبش مسلمانان مبارز و یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری روز شنبه ۱۶ اردیبهشت به همراه عده ای از نزدیکانش در راه خرم آباد از سوی گروهی مسلح مورد تهاجم قرار گرفتند. پیمان قصد داشت در مسجد خرم آباد برای مردم این شهر سخنرانی کند.

مهاجمان، پیمان و همراهانش را پیش از آن که وارد شهر شوند به محل خلوتی در حومه خرم آباد بردند و پس از تهدید، بازخواست و ضرب و شتم همراهان پیمان، آنان را در تاریکی شب رها کردند. دکتر پیمان در گفتگو با بخش فارسی رادیو بی. بی. سی اظهار داشت که مهاجمان به سلاح های سرد و گرم مسلح بودند و مرتباً از طریق بی سیم با مرکز فرماندهی شان در تماس بودند. این مصاحبه روز دوشنبه ۸ شهریور از رادیو بی. بی. سی پخش شد.

ادامه در صفحه ۳

ادامه در صفحه ۳

انتخابات ریاست جمهوری و موضع ما

حکومت اسلامی در آستانه برگزاری هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری است. تظاهرات منتج از رای دادگاه برلین تا حدود زیادی فروکش کرده و مجدداً انتخاب مسئول اجرایی کشور به مسئله روز در صحنه سیاسی کشور مبدل گشته است.

صحنه انتخابات همانند دوره‌های قبلی از حضور سازمان‌های سیاسی مخالف خیالی است و کاندیدای جناح‌های مختلف نظام اسلامی به رقابت فشرده با یکدیگر پرداخته‌اند. در دوره‌های قبلی انتخابات ریاست جمهوری کاندید کل نظام از قبل معین بود اما برای صحنه‌آرایی کسان دیگری هم ثبت‌نام می‌کردند تا نمایش دمکراسی تکمیل گردد. این دوره انتخابات با دوره‌های قبلی تما یزاتی دارد. از جمله در این دور کل نظام فاقد چنین کاندیدی است. در دور قبل رفسنجانی کاندید نظام بود و انتخاب او قطعی بود. اما در هفتمین دوره انتخابات ناطق نوری، خاتمی و ری شهری هیچکدام از موقعیت مشابه رفسنجانی ریاست جمهوری در اساس کشمکش و رقابت بین جناح‌های وابسته به نظام اسلامی و کاندیدهای آنها و بویژه بین ناطق نوری و خاتمی است. در این انتخابات صف بندی جناح‌های درون نظام تغییر کرده و صف بندی جدیدی شکل گرفته است. در یک جانب صف جناح رسالت (جامعه روحانیت مبارز، جمعیت مؤتلفه اسلامی، تشکل‌های همسو...) و گروه حزب‌الله (سازمان تبلیغات

اسلامی، در وجه غالب روزنامه کیهان و هفته‌نامه صبح ...) و در جانب دیگر خط امامی‌ها (مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، روزنامه سلام، دفتر تحکیم وحدت ...) و گروه کارگزاران قرار دارند. در حقیقت صف‌آرایی آشکاری بین روحانیت - بازار و روشنفکران مذهبی شکل گرفته است. اعلام حمایت تشکل‌ها و گروه‌های اجتماعی، این صف‌آرایی را بوضوح نشان می‌دهد. این کشمکش و رقابت نه ساختگی و نمایشی بلکه واقعی و جدی است. اما واقعی و جدی بودن کشمکش و رقابت به معنی نامعین بودن نتیجه انتخابات و یا وجود شرایط متعارف مبارزه انتخاباتی برای رقابت جناح‌ها نیست. جناح رسالت در طی ۱۸ سال با گام‌های گند ولی پیگیر و مداوم به سوی قدرت خزیده است. این جناح نهادها و ارگان‌ها را یک به یک تسخیر کرده، جای پای خود را محکم نموده و به سوی تسخیر سنگر بعدی خیز برداشته است. این جناح علاوه بر قدرت اقتصادی، قوه قضائیه، اکثریت قوه مقننه، شورای نگهبان، اکثریت مجمع تشخیص مصلحت نظام، بخشی از قوه اجرایی، رادیو و تلویزیون را به چنگ آورده و مصمم است قوه اجرائیه را تسام و کسمال قبضه کند.

گرچه حمایت گروه کارگزاران و خط امامی‌ها از خاتمی و طرح مسئله قانونیت و آزادیهای سیاسی میزان رای او را بسالا خواهد بود. ولی ارگان‌های تبلیغی و اجرایی در دست جناح رسالت است. ناطق نوری از یک سال قبل مرتباً به عنوان رئیس مجلس شورا به شهرستان‌ها مسافرت می‌کند و رادیو و تلویزیون به انحاء مختلف او را مطرح کرده و به نفع او تبلیغ می‌کنند. دستگاه روحانیت عمدتاً در جانب این جناح است و اکثراً آنمه جمعه به سود او تبلیغ می‌کنند. وزارت کشور که مجری انتخابات است، به نفع این جناح تغییرات لازم را در استان‌ها داده است و در حوزده‌های انتخاباتی نیز مأمورین خود را خواهد گماشت. به علاوه حزب‌اللهی‌ها و فرماندهی سپاه و بسیج در خدمت این جناح است. سپاه در انتخابات قبلی مجلس شورا به طور آشکار به سود جناح حاکم دخالت نمود. این بار نیز شواهدی در دست است که سپاه مصمم است ناطق نوری را بر مسند ریاست جمهوری بنشاند. بیشتر امکانات تبلیغاتی در دست جناح رسالت متمرکز است. رادیو و تلویزیون که بیشترین بره تبلیغاتی را دارند از یک سال قبل به سود ناطق نوری تبلیغ کرده است ولی تنها ده

فعالیت نویسندگان و هنرمندان مستقل، وزارت اطلاعات به همراه وزارت ارشاد توطئه‌های مختلف علیه آنها تدارک می‌بینند. تعدادی از نشریات مستقل را تعطیل کرده‌اند و سانسور بی‌سابقه‌ای را در عرصه فیلم، تئاتر و کتاب برقرار کرده‌اند.

انتخابات ریاست جمهوری در چنین شرایطی برگزار می‌گردد. لازمه برگزاری انتخابات آزاد، تأمین آزادیهای سیاسی در کشور، برچیدن ارگان‌های سرکوب و تغییر پایبندی در ساختار سیاسی کشور است. باید شرایطی در کشور فراهم گردد تا احزاب سیاسی اپوزیسیون بتوانند برنامه و سیاست‌های خود را تبلیغ کنند. طبعاً در شرایط وجود سرکوب و اختناق سنگین و نبود کوچکترین امکان تبلیغی، امر شرکت در انتخابات برای ما نمی‌تواند مطرح باشد و رسماً و عملاً امکان شرکت در انتخابات از ما و دیگر احزاب اپوزیسیون حکومت سلب شده است. به اعتقاد ما در چنین شرایط ضد دمکراتیک، موضع اصولی و سیاست صحیح اپوزیسیون دمکرات جمهوری اسلامی عدم شرکت در این انتخابات و مبارزه برای تأمین شرایط دمکراتیک است. سازمان ما از چنین موضع و سیاستی پیروی می‌کند. سازمان ما مردم را به رای ندادن به کاندیدهای حکومتی فرامی‌خواند. عسدهای از شخصیت‌های آزادیخواه و مستقل از حکومت، تاکنون فرصت یافته و خود را به عنوان کاندیدای معرفی کرده‌اند. حتی اگر برخی از آنها بتوانند مصلحتاً از

اتحادیه اروپا در برابر جمهوری اسلامی:

سرسختگی خود خواسته

بیش از حد دولت‌های اروپایی در قبال جمهوری اسلامی، این باور آنیاست که حکومت آخوندها در ایران، تصمیمات خود را بیشتر بر اساس انگیزه‌های ایدئولوژیک می‌گیرد تا ضروریات اقتصادی. جمهوری اسلامی در طول حیات هجده ساله خود نشان داده است که واکنش‌های آن، غیر قابل حساب است. جنون فتح کربلا و انتقام‌جویی شخصی خمینی از صدام حسین، انگیزه حکومت اسلامی برای نابودی اقتصاد ایران در جنگ فرسایشی هشت‌ساله بود. حرص خمینی برای عقب نماندن از قافله بنیادگرایی، باعث شد تا علیه سلمان رشدی فتوایی دهد که روابط تهران را با کل اروپا هنوز تحت تأثیر منفی خود دارد. عطف سران جمهوری اسلامی به خون مخالفانشان، باعث شده است که دهه بار چشمان خود را به روی همه حساسیت‌های مردم اروپا ببندند و در قلمرو این کشورها به قتل و کشتار ادامه دهند. این بار نیز رهبری جمهوری اسلامی از آن رو حاضر به قمار بر سر روابط با اروپاست که می‌داند اگر هم در عرصه اقتصادی بازباز، در عرصه برانگیختن تعصب‌ها و دشمنی‌هایی که مشروعیت کاذب خود را از آن می‌گیرد، برنده خواهد بود.

اما این همه تنها یک سوی واقعیت است. جنبه دیگر، وابستگی متقابل (و در کوتاه‌مدت بسیار حادتر) اقتصاد ایران به روابط با اروپاست. درست است که سرمایه تجاری ایران، در سال‌های اخیر، داد و ستد با خاوردر و آسیای میانه را به عنوان منبع سود سرشارتر در قیاس با واردات از اروپا کشف کرده است، و نیز درست است که در اقتصاد جهان، سهم اروپا در سال‌های اخیر رو به کاهش بوده و در مقابل، "ببرهای" خاوردر قدرت گرفته‌اند، اما از یاد نباید برد که هنوز بسیاری از پروژه‌های اقتصادی کلیدی در ایران، با کمک کارشناسان اروپایی اجرا می‌شود و بخش مهمی از نفت ایران به مثابه تأمین‌کننده اصلی درآمد دولت، در اروپا خریدار می‌یابد. از این رو اروپا نیز اگر می‌خواست، می‌توانست جمهوری اسلامی را به لحاظ اقتصادی تحت فشار بگذارد. شاید یکی از علل انعطاف

(خطاب قرار دادن وجدان انسانی کشورهای اروپایی، تنها تا آن حد مؤثر است که سیاست خارجی این کشورها تحت تأثیر افکار و وجدان عمومی باشد، که متأسفانه این حد تأثیر مانند سایر کشورهای جهان اندک است)، باید تأکید کرد حتی منافع خود اروپا نیز توجیه‌گر مشی سازش با جمهوری اسلامی به هر قیمت نیست. اروپا باید با به یاد آوردن تجربه حساب یکجانبه باز کردن دولت آمریکا روی رژیم شاه در ایران، در مشی کنونی خود در قبال ایران تجدیدنظر کند. واشنگتن با روی کار آوردن رژیم کودتایی ۲۸ مرداد و حمایت ۲۵ ساله از آن، جایی روابط عادی و سالم در دوران پس از شاه‌نگذاشت. اروپایی‌ها نیز باید بدانند که حکومت جمهوری اسلامی، آخرین حرف تاریخ ایران نیست. حساب یکجانبه باز کردن روی رژیم به بهای بی‌اعتبار شدن در انظار مردم ایران و اپوزیسیون جمهوری اسلامی، نه تنها منافع درازمدت اروپا را در ایران تأمین نخواهد کرد، بلکه باعث خواهد شد که آینده سیاسی ایران به دور از هر گونه تأثیرگذاری اروپا رقم خورد. در آغوش کشیدن رژیم ملایان، آلترناتیوهای احتمالی این رژیم را از اروپا به چه دورتر خواهد کرد و عرصه را برای تلاش قدرت‌های دیگر جهانی در آلترناتیوسازی برای جمهوری اسلامی خواهد گشود.

ممکن است مدافعان تاکتونی "دیپلومک انتقادی" در اروپا چنین استدلال کنند که حساب باز کردن روی آلترناتیوهای جمهوری اسلامی امید بستن به نسبه است و نزدیکی به حکومت فعلی در تهران، نقد، تنها پاسخ مناسب اپوزیسیون دمکرات ایرانی به این استدلال، فشرده‌تر کردن صفوف خود و شکل‌گیری جایگزینی برای جمهوری اسلامی است که به جای سرکوب در داخل و صدور تروریسم به خارج، آزادی و کثرت‌گرایی در ایران و روابط سالم و برابر با همه کشورهای دیگر را مشی خود قرار دهد. در این راستا خواهد بود یکصد کردن خواست‌های ما از دولت‌های اروپایی، از جمله: قطع هر گونه روابط امنیتی و مخفی و سایر روابطی که جمهوری اسلامی و نه مردم ایران از آن سود می‌برد، برچیدن مراکز جاسوسی و ترور جمهوری اسلامی در اروپا و اولویت دادن حقوق بشر بر منافع اقتصادی.

نامه به سران دولت‌های اتحادیه اروپا

عالی جنابان!

دفتر همکاری جمهوریخواهان آزادیخواه، متشکل از جمهوریخواهان ملی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب دمکراتیک مردم ایران، پس از بررسی اعلامیه اتحادیه اروپا درباره ایران، ارسال این نامه را برای توجه سران دولت‌های اتحادیه اروپا ضروری می‌شمارد.

متأسفانه، تصمیمات وزرای خارجه کشورهای اتحادیه اروپا در ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ در لوکزامبورگ، با در نظر گرفتن حکم دادگاه برلین مبنی بر مسئولیت مستقیم و سنگین مقامات بلندپایه مذهبی و کشوری دولت جمهوری اسلامی در ترور دگراندیشان و مخالفان سیاسی پاسخگوی انتظارات اپوزیسیون آزادیخواه ایران نیست. با این حال تصمیمات متفق وزرای خارجه در مورد قطع «گفتگوی انتقادی» بی‌حاصل، تعلیق رفت و آمد در سطح وزرا بین دولت‌های اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی، تأکید بر سیاست عدم فروش اسلحه به آن کشور و سمانعت از فعالیت عوامل اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی در کشورهای اتحادیه اروپا را به مثابه گامی در جهت خواست‌های آزادیخواهان ایران مورد استقبال قرار می‌دهیم و تحق عملی و مجدانه آن‌ها را مطالبه می‌نمائیم.

این اقدامات لازم و مفید، اما به باور ما برای آنکه زمامداران جمهوری اسلامی به خواست شما در باره «رعایت تعهداتش نسبت به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و حقوق بشر» تمکین نماید و حاکمیت ملی کشورهای اروپا را محترم بشمارد، کافی نمی‌باشند.

بی‌پروائی دولت جمهوری اسلامی در تداوم سیستماتیک ماجراجوئی‌های تروریستی علیه مخالفان سیاسی در کشورهای مختلف و نقض آشکار حاکمیت ملی کشورهای اروپا، جز در سایه ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌مدت و تسلیم این کشورها در برابر شانتاژهای دائمی جمهوری اسلامی، میسر نمی‌بود.

عکس‌العمل خشن و بی‌مهابای رهبری مذهبی جمهوری اسلامی در برابر اعلامیه ملایم اتحادیه اروپا بویژه در قبال دولت آلمان، گواه روشنی از شیوه عمل مقامات عالی این کشور است که همواره محاسبات و سیاست خود را بر پایه روحیه مداراگرانه کشورهای اروپایی و احتمال تفرقه میان آن‌ها و تسلیم در برابر هجوم دیپلماتیک و شانتاژ، که اینک آقای کینکل وزیر خارجه آلمان به آن اشاره می‌کند، استوار ساخته‌اند!

دستر همکاری جمهوریخواهان آزادیخواه، در بیانیه ۱۳ آوریل خود، از اتحادیه اروپا خواسته بود:

- ۱- سطح روابط سیاسی - دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی تنزل دهند و از اعطای کمک‌های مالی و اعتبارات جدید خودداری ورزند.
- ۲- شبکه‌های اطلاعاتی و تروریستی را در سفارتخانه‌های ایران و خارج از آن تعطیل کنند.
- ۳- سطح روابط خود را با جمهوری اسلامی به بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران مرتبط و مشروط سازند.
- ۴- حال که سطح روابط دیپلماتیک بدنبال رفتار توهین‌آمیز جمهوری اسلامی عملاً به سرکسولگری کاهش یافته است، ما خواست خود را سوکدا یادآوری می‌کنیم و از شما می‌طلبیم این وضع دوفاکتور را حفظ کنید و تغییر آن را با بهبود ملموس وضع حقوق بشر در ایران مرتبط و مشروط سازید.
- ۵- به اعتقاد ما، برای اینکه اقدام دیپلماتیک بالا مؤثر باشد، ضرورت دارد با نوعی اقدام اقتصادی و مالی از جمله در حد خودداری از اعطای کمک‌های مالی و گشایش اعتبارات جدید همراه باشد.
- ۶- عالی جنابان!

چنانچه ملاحظه می‌فرمائید، قصد ما تحریم اقتصادی و یا قطع کامل روابط سیاسی - دیپلماتیک با جمهوری اسلامی نیست، بلکه طرح یک رشته اقدامات معین و شدنی است. با این امید که زمامداران جمهوری اسلامی به رعایت حقوق بشر و قواعد و مقررات بین‌المللی و پایان دادن به ترور مخالفان سیاسی در داخل و خارج کشور تن در دهند.

دفتر همکاری جمهوریخواهان آزادیخواه:
حزب دمکراتیک مردم ایران
سازمان جمهوریخواهان ملی ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تعویق بازگشت سفیران کشورهای عضو اتحادیه اروپا به تهران



هر دو زیر یک چتر در حسرت روزهای خوش گذشته

عضو، تا به حال فقط سفیر ایتالیا به تهران بازگشته است. سفر وی به تهران شب سهشنبه بعد از پایان اجلاس بروکسل و پیش از انتشار سخنان خامنه‌ای انجام گرفت.

در بن، نمایندگان احزاب دولت ائتلافی و اپوزیسیون از کشورهای عضو اتحادیه اروپا خواستند که در همستگی خود با آلمان در برابر جمهوری اسلامی پایداری نشان دهند و نگذارند که جمهوری اسلامی بین آنان شکاف بیندازد. پلینز عضو حزب دمکرات مسیحی و کمیسیون امور خارجه مجلس فدرال آلمان از اقدام شتابزده دولت ایتالیا برای اعزام سفیر خود به تهران انتقاد کرد و گفت، کسانی که با عجله سفیر خود را به ایران می‌فرستند در مبارزه با تروریسم اعتبار خود را از دست می‌دهند. وی تاکید کرد که اتحادیه اروپا باید سیاست خود را با آمریکا هماهنگ سازد. وزیر اقتصاد آلمان نیز که به منظور گفتگو با مقامات آمریکایی در واشنگتن بسر می‌برد، اظهار کرد در دیدار با رهبران آمریکا موضوع مناسبات آلمان با ایران مطرح شد و از معقتد است که تصمیمات جدید اقتصادی در مورد ایران ضرورت پیدا کرده است. سخنگوی حزب سوسیال دمکرات با اشاره به سخنان خامنه‌ای، گفت که جمهوری اسلامی از طریق مخالفت با بازگشت سفیر آلمان به تهران قصد ایجاد تفرقه در میان اعضای اتحادیه اروپا دارد. وی تاکید کرد سیاست خارجی و امنیت مشترک اروپا ایجاب می‌کند که نگذاریم به این همستگی لطمه بخورد. سخنگوی

غیرمنتظره بود. وزیر امور خارجه اروپا انتظار نداشتند رهبر جمهوری اسلامی در مقابل اقدامات «تنبیهی» ملایم آنان به چنین حرکت تندی دست بزنند.

در نخستین واکنش، وزیر امور خارجه آلمان سخنان خامنه‌ای را نامتناسب با تصمیمات وزرای خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل خواند و گفت ما سفیرمان را به جمهوری اسلامی تحمیل نخواهیم کرد اما آلمان و اتحادیه اروپا اجازه نمی‌دهند که جمهوری اسلامی آنان را تهدید کند و یا بین اعضای اتحادیه شکاف بیندازد.

کنیکل وزیر امور خارجه آلمان تاکید کرد که بعد از شنیدن سخنان خامنه‌ای، با وزرای کشورهای عضو اتحادیه و رئیس کنونی آن وزیر امور خارجه هلند مشاوره کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که فعلاً سفیران کشورهای عضو اتحادیه اروپا به تهران باز نگردند. وی سخنان خامنه‌ای را با انتخبات ریاست جمهوری در ایران که روز دوم خرداد ماه برگزار می‌شود، مربوط دانست و گفت: نمی‌خواهیم مبارزه انتخاباتی خود را بر دوش ما بگذارند. کنیکل افزود: اتحادیه اروپا بعد از انجام انتخابات ریاست جمهوری در ایران مناسبات خود با این کشور را از نو ارزیابی خواهد کرد.

به پیروی از درخواست «وان میرلو» رئیس کنونی شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا، همه کشورهای عضو به نشانه همبستگی با آلمان، از اعزام سفیران خود به ایران خودداری کردند. از میان ۱۵ کشور

مشاوره دیپلماتیک اعضای اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی که احتمال می‌رفت با بازگشت سفیران این کشورها به تهران فروکش کند، به دنبال سخنان تند خامنه‌ای علیه دولت‌های اروپایی و مخالفت آشکار وی با بازگشت سفیران آلمان و دانمارک به ایران از نو اوج گرفت. در پی سخنان خامنه‌ای کشورهای عضو اتحادیه اروپا به نشانه همبستگی با آلمان اعزام سفیران خود را به تهران برای مدت نامعلومی به تعویق انداختند. «وان میرلو» وزیر امور خارجه هلند و رئیس کنونی شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا اظهار کرد اگر در تهران از پذیرش سفیر آلمان استقبال نمی‌کنند سفیران سایر کشورها نیز بهتر است که نروند.

خامنه‌ای روز چهارشنبه «۳ آوریل در واکنش به تصمیمات شورای وزیران امور خارجه اتحادیه اروپا در بروکسل، دولت‌های اروپایی را «وقیف»، «غیرمنتصف»، «پرو» و «ظالم» خواند و خطاب به مسئولان دولتی گفت: «اولاً سفیر آلمان را که حالا فعلاً تا مدتی راه ندهند به ایران بیاورد و بقیه هم می‌خواهند برگردند، خیلی خوب برگردند، مانی ندارد. اما در رفتن سفرای ایران به کشورهای اروپایی هیچ عجله نباید کرد». خامنه‌ای در ادامه سخنان خود افزود که جمهوری اسلامی به حفظ مناسبات با اروپا احتیاجی ندارد و می‌تواند بدون ارتباط با آن نیز به راه خود ادامه دهد. سخنان خامنه‌ای برای اعضای اتحادیه اروپا که همچنان قصد دارند از تشدید مناقشات جلوگیری کنند،

پیشقدم شود و فرودگاهها و بندرها را به روی کالاهای آلمانی ببندد، کیهان با اشاره به سخنان خامنه‌ای بر روی سه محور عمده در سیاست خارجی رژیم تاکید کرد و نوشت: از این پس تمامی تصمیمات و اقدامات باید بر پایه فرمان روز چهارشنبه خامنه‌ای تنظیم شود و دولت با توجه به سخنان خامنه‌ای که گفته است جمهوری اسلامی به اروپا نیازی ندارد، کلیه روابط اقتصادی با آلمان را قطع کند. کیهان تاکید کرد «هر حرکتی بیرون از این چارچوب غیر قابل قبول و مردود است».

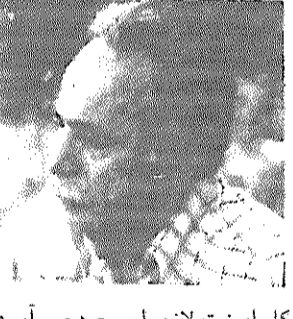
روزنامه فرانکفورتر آلتگماینه سخنان تند خامنه‌ای را علیه آلمان که به تعویق بازگشت سفیران همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا منجر شده است، تلاش وی برای تثبیت رهبری خود ارزیابی کرد.

به جمهوری اسلامی است. وزیر امور خارجه دانمارک در واکنش به سخنان ولایتی که گفته است ما از سفیر آلمان استقبال نخواهیم کرد و بهتر است باز نگردد، اعلام کرد که دولت این کشور شتابی در بازگرداندن سفیر خود به تهران ندارد و ممکن است اعزام وی به ایران هفته‌ها طول بکشد. وزیر امور خارجه دانمارک به خبرنگاران گفت که در اجلاس بروکسل خواستار اتخاذ سیاست قاطعانه‌تر علیه جمهوری اسلامی بود.

در ایران حزب الله و روزنامه کیهان بحران مناسبات جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپا را یک موقعیت تاریخی توصیف کردند. روزنامه کیهان در یادداشتی که به همین مناسبت نوشت از دولت خواست در اتخاذ تصمیم علیه اروپا و آلمان

تهاجم افراد مسلح به دکتر حبیب‌الله پیمان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری

● مهاجمان از ورود پیمان به خرم‌آباد جلوگیری کردند ● پیمان: کاندیدها امنیت ندارند



ادامه از صفحه اول

بی. بی. سی: مهاجمان چه کسانی بودند؟

پیمان: اینها نام خودشان را معرفی نمودند و گفتند ما رزمندگان حزب الله هستیم. متأسفانه اینها از نام حزب الله هم سواستفاده کرده و می‌کنند. افرادی معتقدند که این‌ها به ارتجاعی‌ترین محافل سیاسی وابسته هستند و مسلماً از بعضی مراکز حمایت و تقویت می‌شوند. والا جرئت نمی‌کنند که در روز روشن آدم‌ربایی کنند. اینها بعضی‌شان مجهز به بی‌سیم بودند و بعضی هم اسلحه گرم داشتند و تعدادشان هم زیاد بود. یکی دو نفر در جلو به فحاشی و ضرب و شتم می‌پرداختند و بقیه مشغول مشاوره و بحث درون ماشین‌های خودشان بودند و قضایا را کنترل می‌کردند. بنابراین قضیه سازمان یافته است.

بی. بی. سی: به نظر شما چرا باید چنین حمله‌ای علیه شما صورت بگیرد؟

پیمان: من تصورم این است که اینها به دلیل عدم اعتماد به نفسی که دارند یعنی می‌دانند که مواضع‌شان در میان مردم جایی ندارد و روز به روز بی‌اعتبار و بی‌پایگاه می‌شوند. از اینکه کاندیداهای مستقل و ما بی‌پایم وسط و بتوانیم با مردم ارتباط بگیریم و حرف بزنیم کاملاً هراسان هستند. اینها هرجا بحث و بیامی از ما رفته استقبال گرم و پرشوری شده از طرف مردم و جوان‌ها و تحصیل کرده‌ها به عمل می‌آید و بازتاب پیدا می‌کند و نمی‌خواهند اجازه بدهند ما با مردم ارتباط برقرار کنیم. ما آمدم برای این که قضایا سالمی بوجود بیاید در ایران، برای بحث و گفتگو و برای این که همه بتوانند آرا و نظرات‌شان را عاری از قهر و خشونت بگویند. حکومت باید از این عمل استقبال می‌کند و برای این

«این فضای پاکیزه و نورانی که الان در جامعه ما هست که سه تا چهارده شخص برجسته و روحانی نامزد انتخابات است، بحداله فضای سالمی است. امیدواریم که این فضای سلامت تا آخر انتخابات و بعد از انتخابات ادامه داشته باشد». این سخنان را اخیراً حجت‌الاسلام خوئی‌ها، مدیر مسئول روزنامه سلام در یک سخنرانی در برابر طلاب و روحانیون قم بر زبان آورده است.

نزدیک به پنج سال پیش و بعد از شکست سنگین در انتخابات مجلس چهارم، مجمع روحانیون مبارز، که روزنامه سلام وابسته به آن و آقای خوئی‌ها یکی از اعضای مؤثر آن است، از صحنه فعالیت‌های سیاسی کناره جویی کرد و علت این کناره جویی را شرایط بسیار ناآسالم سیاسی جامعه که ادامه فعالیت‌های آن را امکان ناپذیر کرده است، اعلام نمود.

اکنون چه چیز تغییر کرده است که آن شرایط سیاسی نامناسب که ادامه فعالیت مجمع روحانیون مبارز را غیر ممکن کرده بود، به این شرایط «پاکیزه و نورانی» و سلامتی که مورد تحسین آقای خوئی‌ها قرار گرفته است، تبدیل شده است؟

برای احزاب سیاسی مخالف رژیم چیزی تغییر کرده است؟ این احزاب چه پنج سال پیش و چه اکنون همچنان از استفاده از فضای پاکیزه و نورانی مورد اشاره آقای خوئی‌ها محروم هستند و رژیم نه تنها به آنان «اجازه» شرکت در انتخابات را نمی‌دهد بلکه سایه آنان را نیز با تیر می‌زند.

برای مطبوعات مستقل و آزاد منصف هستید، حداقل این چند روزی را که دگراندیشان وارد عرصه شده‌اند باید امنیت‌شان را تأمین کنید و اگر نیست، ما نسبت به آزاد و سالم بودن انتخابات تردید داریم و نمی‌توانیم موضعی را که الان داریم تا آخر حفظ کنیم، مگر این که برای حفظ امنیت همه نیروها، صرف‌نظر از اعتقادات اقدامات جدی بکنند.

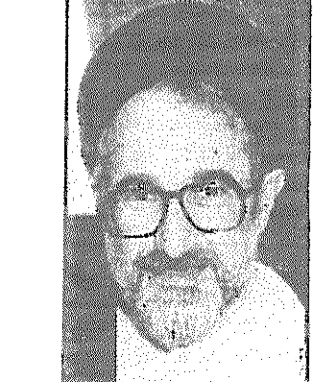
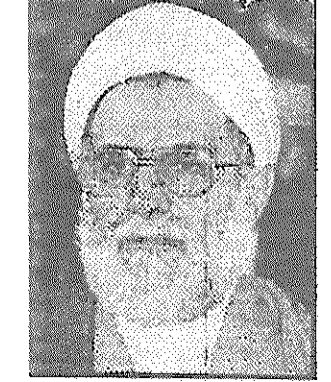
شکاف در میان مدرسان حوزه علمیه قم بر سر کاندیداتوری ناطق نوری

آنچه که تبلیغ می‌شود، ۳ نفر نیست بلکه بیشتر است. آیت‌الله کرمی در مصاحبه با این روزنامه گفته است: «چنانچه مقتضی بدانم و ببینم که آقایان باز دارند مطلب را خلاف واقع نشر می‌دهند، در جمع خبرنگاران واقعیت تلخی را که پشت پرده هست - هرچند بنا نداشته و ندارم آن واقعیات را بر ملا و افشا کنم - اگر ضرورت ایجاب کند آن واقعیت را خواهم گفت. این‌جور نیست که آقایان خیال می‌کنند. متأسفانه و صدهزار متأسفانه در روزنامه منعکس می‌کنند که از ۳۰ نفر اعضای جامعه مدرسین گمان نمی‌کنیم که حتی ۳ نفر مخالف باشند، مگر حضرات آیات فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، امینی، مسعودی خمینی، بنده، جوادی آملی و دیگران عضو جامعه مدرسین نیستیم که به صراحت اعلام کرده‌ایم. دهها نفر از این جامعه مخالف مطالبی هستند که گفته شده است، حال چگونگی می‌فرمایند که ۳ نفر هم سراغ نداریم که مخالف باشند. کاری نکنید که فرد فرد افراد مخالف یا امضا مخالفت‌خودشان را نشان بدهند و کذب شماها ظاهر شود. اگر روزی ضرورت را ببینیم ناگزیرم مطالب را بر ملا کنم».

ادامه از صفحه اول

سایر جناح‌ها ایجاد کرده‌اند. چنان شدت گرفته که مدرسان حوزه علمیه قم را نیز به صحنه کشانده است. مخالفان ناطق نوری تهدید کرده‌اند که توطئه‌های وی و همدستانش را بر ملا خواهند کرد.

طرفداران ناطق نوری، که تاکنون وی را نامزد منتخب حوزه علمیه قم معرفی و چنین تبلیغ می‌کردند که اگر کسی به خاتمی رای دهد، علیه حوزه علمیه رای داده است، اکنون با مقاومت آشکار جمعی از مدرسان سرشناس حوزه علمیه روبرو شده‌اند. آیت‌الله مسعودی خمینی عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم علناً تأیید ناطق نوری را تکریم کرده است. به نوشته روزنامه کیهان هوایی آیت‌الله مسعودی ضمن تاکید بر عدم انتخاب نامزد اصلاح توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، گفته است: «این جامعه تا امروز نه پیرامون معیارهای رئیس جمهوری بحث کرده و نه در باره مسأله‌های آن» و روزنامه «کاروکارگر» به نقل از آیت‌الله کرمی عضو دیگر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نوشته است که مخالفان ناطق نوری در میان مدرسان حوزه برخلاف



حضور این یا آن فرد مورد پشتیبانی این یا آن جناح حکومتی مستبد در انتخابات ریاست جمهوری، تأمین کننده و تضمین کننده آن باشد. آزادی مجموعه به هم پیوسته‌ای است که آزادی توده مردم در داشتن تشکلهای مستقل خود، آزادی احزاب سیاسی و مطبوعات آزاد، اجزای جدایی ناپذیر آن هستند. کسی که آزادی فعالیت خویش را میزان آزادی قرار دهد عوام‌فریب است، اما کسی که مدافع محروم کردن دیگران از آزادی باشد، مستبد است. متأسفانه آقای خوئی‌ها حتی جزو دسته اول نیز نیست.

چیزی تغییری کرده است؟ برای آبان قضا، همچنان فضای پنج سال پیش است. تغییر نکرده است، بدتر شده است. چند روزنامه مستقلی که به دلایلی اجازه انتشار یافتند، حتی بیشتر از گذشته تحت فشارند، بسیاری از آنان را تعطیل کرده‌اند. روزنامه‌نگاران را می‌کشند و به زندان می‌اندازند. روزنامه‌های غیر حکومتی یا مهر سکوت بر لب دارند، یا مجبور به انتشار در خارج از کشور هستند.

برای مردم چیزی تغییر کرده است؟ آنان اجازه ابراز نظرات و عقاید خود و مبارزه برای کسب حقوق خود را یافته‌اند؟ جلسه سخنرانی آقای خوئی‌ها را ترک کنید و سری به خیابان طالقانی، مقابل وزارت نفت بزنید. آن جا کارگران را به جرم مطالبه حقوق خویش با چوب و چماق و اسلحه مورد حمله قرار می‌دهند، به زندان می‌برند و در زندان‌ها بی‌سر و صدا می‌کشند. و این داستانی است که هیچگاه سال است در حکومت اسلامی ادامه دارد.

به راستی چه چیز تغییر کرده است جز آن که این بار به جای یک نفر «سه تا چهره برجسته و روحانی» توانسته‌اند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و هیر یک به اعتبار جناحی که پشتیبان آن‌هاست، بخشی از امکانات جامعه را به خدمت تبلیغ خویش درآورند؟

آزادی آن چنان حقیر نیست که حضور این یا آن فرد مورد پشتیبانی این یا آن جناح حکومتی مستبد در انتخابات ریاست جمهوری، تأمین کننده و تضمین کننده آن باشد. آزادی مجموعه به هم پیوسته‌ای است که آزادی توده مردم در داشتن تشکلهای مستقل خود، آزادی احزاب سیاسی و مطبوعات آزاد، اجزای جدایی ناپذیر آن هستند. کسی که آزادی فعالیت خویش را میزان آزادی قرار دهد عوام‌فریب است، اما کسی که مدافع محروم کردن دیگران از آزادی باشد، مستبد است. متأسفانه آقای خوئی‌ها حتی جزو دسته اول نیز نیست.

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به کارگران و زحمتکشان ایران به مناسبت روز جهانی کارگر

برای برپایی سندیکاهای آزاد و آزادی احزاب سیاسی

ناعدالتی است که جنبش کارگری و سوسیالیستی در سراسر جهان برای آن می‌رزمند. حمایت سندیکاهای کارگری در اروپا و آمریکا از مبارزات کارگران در ایران که پشتیبانی پرشور از اعتراض نفت‌گران نمونه‌ی برجسته‌ی آن بود، از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که جنبش کارگری و سوسیالیستی در سراسر جهان اهداف و پیکار مشترکی دارد. کارگران ایران در مبارزه برای تأمین حقوق سندیکایی و بهبود شرایط زندگی خود، در مبارزه برای برقراری آزادی‌های سیاسی و استقرار حکومت دموکراتیک در کشور، از پشتیبانی کارگران سراسر جهان برخوردار هستند. خلاف تبلیغات دروغین مستبدان و تنگ‌نظران که می‌گویند همه‌ی جهان در دشمنی با ایران قرار دارد، کارگران ایران به چشم خود می‌بینند که مطالبات و مبارزات آنان مورد پشتیبانی کارگران در سراسر جهان است. این همبستگی کارگری نیروی شکست‌ناپذیری را می‌سازد.

کارگران و زحمتکشان هم‌وطن!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان بخشی از جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران، بار دیگر اول ماه مه، عید مشترک کارگران سراسر جهان را به تمامی شما زحمتکشان هم‌وطن شادباش می‌گوید و به همه‌ی زنان و مردانی که برای دفاع از حقوق خود و برای رهایی کشور از شر فقر و گرسنگی و استبداد مبارزه می‌کنند، درود می‌فرستد. ما خاطره‌ی تازه‌ترین قربانیان جنبش کارگری ایران، کارگران شرکت نفت را که در جریان اعتراضات اخیر نفت‌گران به دست عوامل حکومت جان باختند گرامی می‌داریم و مبارزه برای تحقق آرمان‌های شریف کارگری آنان را همراه با شما پی می‌گیریم.

زنده‌باد آزادی، زنده‌باد سوسیالیسم

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۱۳۷۶

زندگی مردم در کشور می‌گویم که حکومت اسلامی بزرگ‌ترین دشمن خواست‌های مردم و استقرار دموکراسی در ایران است. آنان از کارگران فقط تحمل و فداکاری می‌طلبند و به آنان اجازه نمی‌دهند که وزیر در کابینه و وکیل در مجلس داشته باشند تا از حقوق ایشان دفاع کند. این رژیم خود را حکومت «مستضعفان» می‌نامد اما آیا تا به حال کسی دیده و یا شنیده است که وزیر و وکلای مجلس رژیم حتی از سندیکا و برخورداری از شکل‌های کارگری که حکومت‌های استثمارگر سرمایه‌داری نیز در اغلب نقاط جهان مجبور به تأمین آن شده‌اند، سخن گویند؟ آیا کسی دیده یا شنیده است که کاندیداهای حکومت برای انتخابات ریاست جمهوری، تأمین حقوق کارگران را جزو برنامه‌های خود قرار داده باشند؟ در برنامه‌هایی که آنان اعلام می‌کنند، جدا از حرف‌ها و وعده‌های کلی، نه نشانی از مبارزه برای آزادی سندیکا، نه نامی از ضرورت آزادی مطبوعات و نه سخنی از لزوم وجود احزاب سیاسی وجود دارد.

احزاب سیاسی چه و کارگری که برای تأمین حقوق کارگران می‌کوشند، بیرحمانه سرکوب شده‌اند و از فعالیت آزادانه‌ی آن‌ها جلوگیری می‌شود. رژیم به دروغ مدعی است که بود و نبود این احزاب سودی به حال کارگران و مردم ایران ندارد. اما به هر کشوری که نگاه کنیم، این احزاب در صف اول مبارزه برای تأمین حقوق سندیکایی و سیاسی کارگران قرار دارند. وجود احزاب کارگری و چه برای دفاع از حقوق سیاسی کارگران به همان اندازه مورد نیاز است که وجود سندیکاهای برای دفاع از حقوق صنفی و رفاهی آنان. طبقه‌ی کارگر بدون داشتن سندیکاهای خود و بدون داشتن احزاب سیاسی کارگری و چه خود، در برابر دولت مستبد و کارفرمایان که برای دفاع از منافع نامشروع خود مستعد و مشکل هستند، تنها، بی یار و یاور و بی‌پشتوانه است. حق داشتن سندیکا و حق فعالیت آزادانه‌ی احزاب کارگری، گام نخست در مبارزه به خاطر رهایی کشور از چنگ استبداد و برقراری دموکراسی و اهداف بزرگ‌تر کارگران و احزاب آنان برای برقراری جامعه‌ی عاری از ستم، استثمار و فقر و

طبیعی توده‌ی زحمتکش برای مقابله با تورم انبار گسیخته و گرانی سرسام‌آوری است که مردم را از یک زندگی حداقل نیز محروم کرده است. حق انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی کار، حق طبیعی کارگران برای جلوگیری از خطر اخراج کارگران توسط کارفرمایان و دولت و روانه کردن آنان به صفوف بی‌شمار بیکاران است. داشتن سندیکاهای آزاد و مستقل از حکومت، ضروری‌ترین نیاز کارگران و زحمتکشان ایران برای دفاع از حقوق صنفی و رفاهی خود است. تاریخ جنبش کارگری در همه‌ی جهان آکنده از این واقعیت است که در نبرد طبقه‌ی کارگر برای دستیابی به حقوق صنفی خود، سندیکاهای و مبارزه‌ی آنان در برابر دولت‌ها و کارفرمایان بزرگ‌ترین نقش را داشته است. داشتن سندیکاهای مستقل، مرکزی‌ترین خواستی است که کارگران ایران در این شرایط برای آن مبارزه می‌کنند و باید برای آن مبارزه کنند. داشتن سندیکا حق شناخته‌شده‌ای است که امروز تقریباً کارگران همه‌ی کشورهای جهان از آن برخوردار شده‌اند. جمهوری اسلامی ایران که حکومت خود را دموکرات‌ترین و کشور استبدادزده‌ی ما را آزادترین کشور دنیا معرفی می‌کند، حتی این ابتدائی‌ترین حق شناخته‌شده‌ی کارگران را به رسمیت نشناخته است و تجربه‌ی ۱۸ ساله‌ی گذشته نشان داده است که این حق را به رسمیت نخواهد شناخت. مگر آن‌که در اثر مبارزه‌ی متحدانه‌ی کارگران کشور مجبور به عقب‌نشینی و قبول آن گردد.

هر قدر که مبارزه در راه تأمین حقوق سندیکایی گسترده‌تر شود، بیشتر ثابت خواهد شد که تأمین این حقوق از مبارزه برای استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور جدا نیست. سندیکاهای آزاد، مطبوعات آزاد، احزاب و سازمان‌های سیاسی آزاد و کسب امکان ابراز نظر و عقیده‌ی آزادانه، مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای است که تأمین هر یک در گرو تأمین دیگری و تأمین همه‌ی آن‌ها در گرو استقرار دموکراسی در ایران می‌باشد. میزان دفاع از این خواسته‌ها بهترین شاخصی است که نشان می‌دهد هر کس به چه اندازه به حقوق کارگران و دیگر مردم ایران احترام می‌گذارد و خواهان تأمین آن می‌باشد. ما با تکیه بر ملاحظه‌ی واقعیات

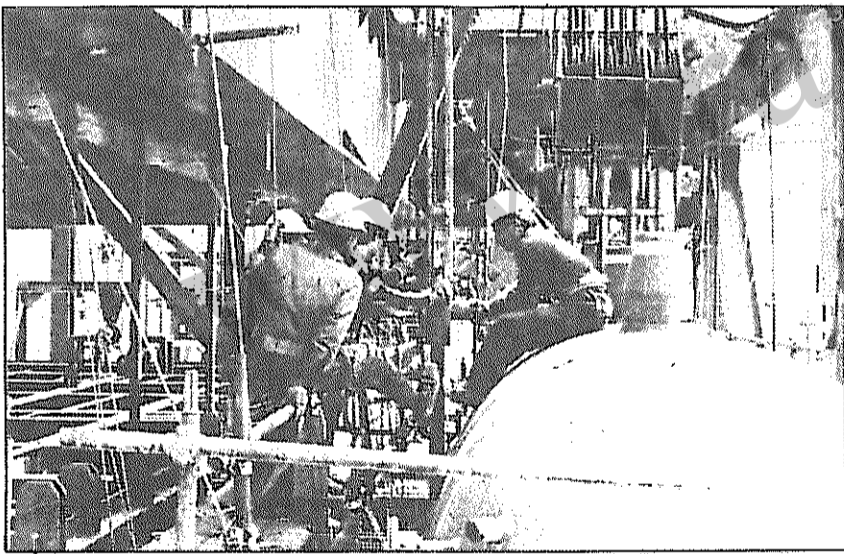
اول ماه مه، جشن کارگری و روز گرامی‌داشت مبارزات و نبردهای کوچک و بزرگ طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان در سراسر جهان برای کسب حقوق سیاسی و صنفی و سندیکایی خود بر کارگران و زحمتکشان ایران مبارک باد!

طبقه‌ی کارگر ایران، امسال در شرایطی اول ماه مه و خاطره‌ی مبارزات و مبارزات طبقه‌ی کارگر را گرامی می‌دارد که خود نبردی بزرگ و تازه را پشت سر دارد. نبردی که علاوه بر تشویق مردم ایران به مبارزه‌ی بیشتر با استبداد و بی‌عدالتی، حمایت و پشتیبانی طبقه‌ی کارگر و مردم آزادی‌خواه را نیز در بسیاری از کشورهای جهان برانگیخت. اعتراض شجاعانه‌ی کارگران نفت نشان داد اگر کارگران یک‌دل و یک‌زبان شوند و از حداقل تشکلی و سازمان‌دهی برخوردار گردند، می‌توانند نیروهای حامی استبداد و پایمال‌کنندگان حقوق خویش را به عقب‌نشینی وادارند. نفت‌گران یا اعتراض قهرمانانه‌ی خود حیاتی‌ترین خواسته‌ها و مطالبات صنفی طبقه‌ی کارگر را در جامعه مطرح کردند. دستمزد بیشتر، حق انعقاد قراردادهای جمعی کار و حق برخورداری از سندیکاهای آزاد و مستقل از دولت و حکومت، اساسی‌ترین خواسته‌های صنفی امروز همه‌ی کارگران و زحمتکشان ایران است و آنان که مطالبه‌کنندگان این خواسته‌ها را سرکوب کرده‌اند، به زندان افکندند و شکنجه کرده‌اند، با همه‌ی کارگران و زحمتکشان ایران رو در رو هستند. اعتراضات پرشمار کارگران در سال گذشته یک بار دیگر این حقیقت بزرگ را به اثبات رساند که کارگران ایران در زیر سرکوب شدید دستگاه‌های امنیتی و پلیسی رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز از پیگیری خواسته‌های خود دست نخواهند کشید و انتظار می‌رود که در روز جهانی کارگر امسال نیز کارگران با صدایی رساتر این خواسته‌های خود را در برابر استبداد قرار دهند.

حکومت اسلامی به جای فرستادن پاسدار و حزب‌الله و سرکوب کارگران، باید به خواسته‌های آنان گردن بگذارد. آن چه کارگران می‌خواهند حداقلی است که برای بهبود شرایط زندگی و کار خود به آن احتیاج دارند. دستمزد بیشتر حق

آن چه کارگران می‌خواهند:

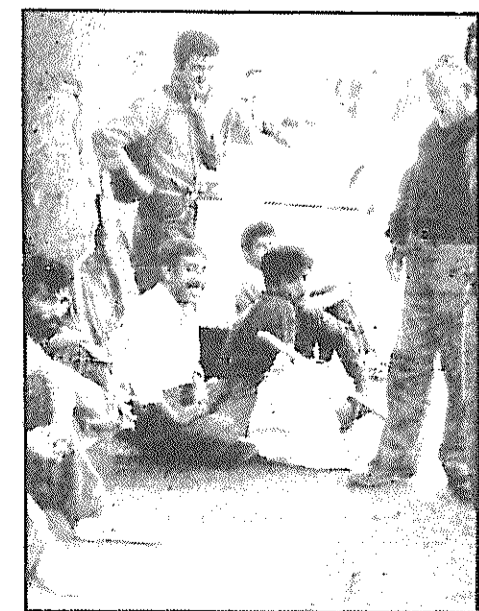
امنیت شغلی، دستمزد بیشتر، سندیکای مستقل



بهران اقتصادی، سیاست‌های منطبق با منافع بازاریان و تاجر و مشی خصوصی سازی که از سوی دولت رفسنجانی به اجرا درآمده است، فشارهای اجتماعی را بیش از همه متوجه کارگران و خانواده‌های آنان ساخته است. این بحران و سیاست‌های حکومت، آینده شغلی کارگران را در سطح وسیعی به خطر انداخته است. در دو سال گذشته ده‌ها هزار نفر از کارگران کارخانه‌های ذوب آهن، پارس، ایران خودرو، سایپا، زامیاد، صنایع شهر ری، چوب قزوین، پارس آگروز تهران، چوب اسالم و کارخانه‌های کوچک و متوسط، شغل خود را از دست داده‌اند. این وضعیت، تأمین امنیت شغلی را به یکی از اساسی‌ترین خواسته‌های کارگران بدل نموده است. اعتراض به انعقاد قرار دادهای موقت و کوتاه مدت و تلاش برای انعقاد قرار دادهای دسته جمعی کار، خواسته اساسی است که کارگران برای تأمین امنیت شغلی خویش آن را دنبال می‌کنند.

عدم تطبیق سطح دستمزدها با تورم و گرانی و ناهمگونی دستمزد در میان بخش‌های مختلف تولیدی، به افزایش شدید هزینه‌ها و کاهش مداوم قدرت خرید کارگران انجامیده است. حکومت با در پیش گرفتن یک سیاست ضد تأمین و حقوق اجتماعی به طور مداوم، قسمت بیشتری از تعهداتی که دولت و سرمایه‌داران بر عهده دارند را به دوش کارگران منتقل می‌کند. یکی از ثمرات این سیاست، کاهش روز افزون خدمات درمانی و انداختن آن بر عهده کارگران است. کمبود تجهیزات پزشکی در درمانگاه‌های تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی و عدم اعتبار دفترچه‌های بیمه کارگری در داروخانه‌ها، کارگران را مجبور می‌کند بخش بیشتری از حقوق و دستمزد خویش را به تهیه دارو از بازار آزاد اختصاص دهند و نتیجه این سیاست به گسترش مرگ و میر و انواع بیماری‌های مزمن در میان کارگران و خانواده آنان انجامیده است. از جنبه‌های فاجعه‌آمیز دیگر سیاست ضد تأمین اجتماعی دولت، ترک تحصیل تعداد بیشتری از فرزندان کارگران به دلیل هزینه‌های تحصیل و به امید راه یافتن به بازار کار است، امیدی که غالباً به واقعیت نمی‌انجامد. این وضعیت اثرات جبران‌ناپذیر و بلند مدتی دارد و بیش از پیش فرزندان کارگران را محکوم به ماندن در حاشیه اجتماع می‌کند.

کارگران ایران در سال گذشته با پیگیری خواسته‌های خود و در درجه اول مبارزه برای امنیت شغلی و افزایش دستمزدها، اراده بیشتری را برای مقابله با این وضع به نمایش نهادند. اعتصاب و تظاهرات کارگران نفت، نقطه اوج مبارزه و قدرت نمایی کارگران ایران در سال گذشته بود. این تظاهرات هر چند به دلیل ایجاد و اهمیت آن انعکاسی برجسته یافت، اما تنها نمونه مبارزه کارگران نبود. مطالبات و مبارزات کارگران، بسیار وسیع‌تر از آن است که سد سانسور شدید رژیم امکان انعکاس آن را داده است. این مبارزات هر چند هنوز نتوانسته است رژیم را در



تجمع اعتراضی

کارگران کارخانه‌ی آجر هراب

به گزارش روزنامه‌ی کار و کارگر به دنبال واگذاری کارخانه‌ی آجر هراب اصفهان وابسته به سازمان صنایع ملی کشور به صاحب قبلی‌اش، ۱۶۰ نفر از کارگران این کارخانه ۷ ماه تمام است که بیکارند و از دریافت حقوق محروم مانده‌اند. این وضع در اثر فروش اموال کارخانه توسط مالک آن پس از تصاحب کارخانه پدید آمده است. کارگران بیکار شده با مراجعه به ادارات گوناگون دولتی کوشش کرده‌اند که راهی برای حل مشکل خویش بیابند که تلاششان به جایی نرسیده است. استانداری آنان را به اداره‌ی کل کار استان حواله داده و اداره‌ی کار قوه‌ی قضائیه را مسئول بررسی مشکل آنان دانسته است. پس از مدتی سرگردانی، سرانجام کارگران بیکار شده در مقابل ساختمان اداره‌ی کل اصفهان اجتماع کرده، خواستار رسیدگی به خواسته‌هایشان شدند. یکی از کارگران این شرکت گفته است که در این مدت سه تن از کارگران که کمتر از ۴۰ سال سن داشته‌اند در اثر فشار روحی و روانی دچار حملگی قلبی شده و درگذشته‌اند. کارگر دیگری نیز گفته است که به علت نگرانی حقوق قادر به تأمین پول کافی برای درمان چشم فرزندش که در این مدت بیمار شده نیست و باید شاهد از بین رفتن بینایی او باشد. کارگران قرار گذاشته‌اند در صورتی که مسئولان استان برای حل مشکلاتشان اقدام نکنند، به همراه خانواده‌هایشان در برابر مجلس شورای اسلامی متحصن شوند.

۱۸ درصد بیکاری در یک استان

استان‌هایی چون کرمان و یزد و اصفهان با استفاده از منابع تأمین شده از فروش نفت و سرمایه‌گذاری‌های دولتی در سال‌های اخیر از رشد معینی برخوردار بوده‌اند استان‌های محرومی چون لرستان نتوانسته‌اند رشد چندانی داشته باشند تا آنجا که به نظر کارشناسان مسائل اجتماعی و اقتصادی برای حل مشکلات این مناطق ضرورت سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش کشاورزی، صنعت و معدن بیش از پیش مشهود گردیده است.

به اعتراف محمد جواد محمدی‌زاده استاندار استان لرستان بیکاری در حال حاضر مهم‌ترین مشکل این استان است و به گفته‌ی مدیرکل کار و امور اجتماعی لرستان این استان ۵۰ هزار بیکار و ۲۰ هزار نفر بیکار پنهان (دارای شغل‌های کاذب) دارد و بدون آن‌که فرصت‌های شغلی کافی ایجاد گردد، سالانه به طور متوسط ده هزار نفر به تعداد افراد جویای کار در آن افزوده می‌شود. بر مبنای آمار رسمی نرخ بیکاری در لرستان به ۱۸/۳۶ درصد رسیده است که در سطح کشور کم‌نظیر است. در سطح استان لرستان نیز نواحی عقب‌مانده‌تر از این نظر با مشکل بیشتری مواجه هستند. بخش رشدناپایته‌ی کوه‌دشت که قسمت چشم‌گیری از این استان را تشکیل می‌دهد به گفته‌ی سرپرست اداره‌ی کار این شهرستان بیش از چهارهزار نفر افراد جویای کار دارد که یک سوم آنان دارای مدرک تحصیلی دیپلم هستند. کوه‌دشت با نرخ بیکاری ۲۲ درصد نسبت به جمعیت بالاترین درصد بیکاری را در استان لرستان دارد.

دراثر تداوم برنامه‌ریزی‌های غلط مسئولان رژیم در سال‌های متمادی بخش‌های کمتر توسعه‌یافته و محروم کشور در چنبره‌ی عقب‌ماندگی خویش اسیر مانده‌اند. در حالی که

جنبش سندیکایی اروپا: شرایط نو، وظایف نو، چشم اندازهای نو



هفته گذشته، دولت محافظه کار انگلیس پس از هجده سال اجرای بیوقفه مشی نئوکنسرواتیسیم، جای خود را به دولت حزب کارگر داد و متحمل شکستی شد که در تاریخ این کشور سابقه ندارد. در اسکاتلند و ولز، حزب محافظه کار حتی یک کرسی نیز به دست نیاورد. در مجموع، کرسی‌های حزب محافظه کار در مجلس عوام به کمتر از نصف کاهش یافت. ناظران متفق‌القولند که مهم‌ترین علت شکست بزرگ محافظه‌کاران، اجرای سیاست "سنگ‌دلی اجتماعی" بوده است. محافظه‌کاران در حالی متحمل این شکست تاریخی شدند که از لحاظ سرمایه‌داری مستعارف اقتصاد بریتانیا از وضعیت اکثر کشورهای اروپایی، از جمله آلمان، بسیار بهتر است. با این حال، انتخابات انگلیس نشان داد که حتی اگر نئوکنسرواتیسیم بتواند در لحظه، به بهای فقر و فلاکت حدود یک‌سوم از جامعه، درآمد کل جامعه و از جمله اکثریت آن را افزایش دهد، بیمی که از دچار شدن به سرنوشت آن یک سوم محروم از مواهب رونق اقتصادی وجود دارد، انتخاب دیگری را در مقابل مردم قرار می‌دهد. در انگلیس اکنون بار دیگر سخن از همبستگی اجتماعی است. هر چند رهبران فعلی حزب کارگر برای جلب اعتماد محافل بورژوازی، با بسیاری از ارزش‌های سوسیال‌دمکراتیک وداع گفته‌اند و به گونه‌ای نمادین، نام حزب خود را "نیو لیبر" (حزب جدید کارگر) گذاشته‌اند (از جمله نکاتی که دست‌راستی‌ها به عنوان وجه مثبت در کارنامه تونی بلر نخست‌وزیر جدید از آن نام می‌برند، این است که بلر حزب کارگر را از نفوذ اتحادیه‌های کارگری رها نکرده است).

با این حال، انتخابات انگلیس نشان داد محافظه‌کاری جدید دیگر قادر به بسیج اکثریت در کشورهای صنعتی پیشرفته نیست. انگلیس، نخستین کشوری بوده که در پایان دهه هفتاد، توسط محافظه‌کاری جدید فتح شد. همانقدر که عواقب پیروزی تاجر در انتخابات ۱۹۷۹ برای انگلیس و کل اروپا سرنوشت‌ساز بود، شکست اول ماه مه ۱۹۹۷ حزب محافظه کار انگلیس، نویدبخش نقطه عطف در طرز فکر و برخورد اکثریت مردم کشورهای صنعتی اروپایی غربی به ایدئولوژی محافظه‌کاری از نخستین اقدامات محافظه‌کاران در دهه هشتاد، یورش

به دستاوردهای جنبش کارگری و سندیکایی بود. در آمریکا، ریگان اعتصاب کارکنان فرودگاه‌ها را سرکوب کرد و در انگلیس، تاجر با بی‌اعتنایی به خواست‌های اعتصاب طولانی معدنچیان، به "باتونی آهنین" معروف شد. بدون شک، بسیاری از مواضعی که جنبش کارگری و سندیکایی اروپا در نزدیک به دو دهه اخیر از دست داده است، به این سادگی قابل احیا نیست. در انگلیس، نفوذ سندیکاهای حزب کارگر به حداقل رسیده است. در بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی نیز یا سهم کارگران متشکل در کتل کارکنان کاهش یافته و یا اگر ثابت مانده است، توان تأثیرگذاری اتحادیه‌های کارگری بر تصمیم‌گیری پیرامون مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مانند گذشته نیست. مناطق بسیاری در اروپا دچار "صنعت‌زدایی" شده‌اند. جای معادن ذغال سنگ و کوره‌های ذوب آهن را در بسیاری از کشورهای صف طولانی بیکاران گرفته است. قسمتی از نقطه عطف در سرنوشت محافظه‌کاری جدید سخن می‌گوییم، بی‌شک منظور این نیست که همه این تحولات، به عقب‌پاز خواهد گشت، بلکه اشاره به این است: رأی‌دهندگان در کشورهای صنعتی پیشرفته اینک می‌پندند که محافظه‌کاران جدید، بسیاری چیزها و مهم‌تر از همه، امنیت اجتماعی را از آنان گرفته‌اند، بدون آنکه وعده اصلی‌شان، یعنی رفاه و رونق برای همه، تحقق یابد. این توهم‌زدایی درباره عملکرد محافظه‌کاری جدید، زمینه مناسبی برای جنبش کارگری و سندیکایی است تا در شرایط نو و با چشم‌اندازهای نو، برای حل وظایف نو بکوشد.

موضوع اعتصاب یک دهه و نیم پیش معدنچیان انگلیس، جلوگیری از در اولویت قرار گرفتن محض سوددهی سرمایه در اداره معادن ذغال سنگ این کشور بود. این اعتصاب، شکست خورد و در پایان دهه هفتاد، هزار کارگر معدن، قدرت اتحادیه نیرومند آنها در هم شکسته شد. همین موضوع، یعنی عدم سوددهی معادن ذغال سنگ، یک و نیم دهه بعد، یعنی در ماه مارس ۱۹۹۷، انگیزه‌ای شد برای مبارزه‌ای گسترده از سوی کارگران معادن آلمان برای جلوگیری از بیکاری ده‌ها هزار نفر از آنان به علت کاهش سوسپسید پرداختن از سوی دولت آلمان. کارشناسان نزدیک به جنبش کارگری و

ذغال‌سنگ خیز آلمان در روهر و سار، شهر بن مقر دولت آلمان را اشغال و عملاً کار دولت را مختل کردند. هلموت کهل صدراعظم آلمان که در طول پانزده سال زمامداری خود به ندرت مژه شکست را چشیده است، ناچار گردید از تصمیم قبلی خود برای کاهش شدید سوسپسید معادن و در نتیجه، اخراج هزاران معدنچی، عقب‌نشینی کند. هر چند در توافق بین دولت و اتحادیه کارگران معادن نیز پیش‌بینی شده است که از سوسپسید ذغال‌سنگ به تدریج کاسته شود، اما دولت پذیرفته است که این روند، بدون اخراج کارگران صورت گیرد، یعنی کمک دولت به معادن تنها به میزانی کاهش یابد که بتوان از خروج تدریجی کارگران مسن‌تر از محیط کار از طریق بازنشستگی و یا از طریق ایجاد مشاغل جانشین، این کاهش سوسپسید را جبران کرد.

راه حل تاجری برای معادن ذغال سنگ، نسخه خالص محافظه‌کاری جدید برای یک بحران ساختاری در اقتصاد بود، و راه حلی که در آلمان یافته شد، مطابق با الگویی است که در آلمان، سنتی دیرینه دارد: راه حل "سازش اجتماعی"، سازشی که در یک سمت آن همواره نیروی متشکل سزده‌بگیران قرار دارد. مدافعان محافظه‌کاری جدید قطعاً خواهند گفت درست به دلیل عدم توانایی آلمان در وداع با این الگو است که اقتصاد این کشور نتوانسته است خود را با ضروریات "جهانی شدن" اقتصاد وفق دهد. "جهانی شدن" اقتصاد، بهانه همه یورش‌هایی است که سرمایه‌داری و دولت‌های دست‌راستی در کشورهای صنعتی پیشرفته به مواضع جنبش کارگری سامان می‌دهند. استدلال، این است: در سایر مناطق جهان، از خاور دور گرفته تا اروپای شرقی و جهان سوم، بسیاری از محصولات کشورهای صنعتی پیشرفته به بهایی بسیار نازل‌تر از خود این کشورها تولید می‌شود و محصولات کشورهای صنعتی پیشرفته، به دلیل گران بودن عامل کار در این کشورها، قادر به رقابت با محصولات رقیب نیست. در نتیجه، دو راه بیشتر در پیش نیست: یا ارزان‌تر شدن عامل کار در کشورهای صنعتی، از طریق کاهش دستمزد، افزایش ساعات کار، کاستن از هزینه بیمه‌های اجتماعی برای کارفرما، و یا انتقال تولید از این کشورها به کشورهای با مزد ارزان‌تر و بدون تأمین اجتماعی، "دست و پاگیر" برای سرمایه‌داران. کارشناسان نزدیک به جنبش کارگری و

سندیکایی در کشورهای صنعتی، نام "دیکستاتوری جهانی شدن" (گلوبالیزاسیون) گذاشته‌اند و با کنایه به توتالیتراریسم، از آن به عنوان "گلوبالیتراریسم" سخن می‌گویند. جهانی شدن سرمایه بدین معناست که همان قوانینی که محافظه‌کاری جدید برای آنها تا کنون در مقیاس ملی حاکمیت مطلق قائل بوده است، در مقیاس بین‌المللی نیز اعتبار مطلق بیابد؛ اصل، سود سرمایه است و سرمایه مجاز است در هر جای جهان که سودش بیشتر باشد، تولید کند. دیکتاتوری بازار حاکم است، و حکم بازار را هیچ‌گونه ملاحظات دیگری از قبیل سرنوشت انسان‌ها و مسائل اجتماعی، تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد. از "تعهد اجتماعی" مالکیت خصوصی (آنگونه که به عنوان نمونه در قانون اساسی آلمان آمده است) خبری نیست.

جنبش سندیکایی و کارگری و نظریه‌پردازان سوسیال‌دمکراسی، اکنون در واکنش در قبال "جهانی شدن" سرمایه، از جهانی شدن معیارهایی دفاع می‌کنند که عامل کار را در کشورهای پیشرفته برای سرمایه‌داری "گران" کرده است؛ انطباق دستمزدها با هزینه‌ها، سهم شدن کارفرمایان در پرداخت هزینه بیمه‌های اجتماعی مانند بیمه بیکاری، بیماری، بازنشستگی، ازکارافتادگی، امنیت شغلی برای مزدبگیران و غیره. در حقیقت، اکنون آن ارزش سوسیالیستی که از هنگام انشعاب آغاز قرن بیستم در جنبش کارگری، از سوی سوسیال‌دمکراسی مورد بی‌مهری قرار گرفت، اهمیت خود را باز می‌یابد: انترناسیونالیسم، سیاستمداران سوسیال‌دمکرات و رهبران اتحادیه‌های کارگری در کشورهای اروپایی، اکنون از ضرورت توافق‌های بین‌المللی برای تأمین حقوق کار در سراسر جهان سخن می‌گویند. در برابر این خواست، دولت‌های کشورهای سرمایه‌داری سوسپسید، به ویژه کشورهای آسیایی، به شدت مقاومت می‌کنند و حتی حاضر نیستند به نص صریح منشورهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق کار، از جمله منع کار کودکان، عمل کنند.

دفاع از حق کار، عرصه اصلی مبارزه جنبش سندیکایی در شرایط بیکاری میلیونی در همه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، دفاع از حق کار به عرصه اصلی مبارزه جنبش سندیکایی در باره بیژن جزنی دنباله از صفحه ۱۰

در باره بیژن جزنی

برای هدایت این جنبش کافی نبود، حضور شخصی هم جایگاه خود را در رهبری یک سازمان دارد. اما اگر این سؤال طرح باشد که بیژن که نتوانست بر روی این جنبش و سازمان خودش تأثیر قاطع بگذارد، پس چگونه می‌توان او را یک شخصیت و اورتیته برای جنبش چپ دانست، به نظر من مسئله دیگری است. بیژن به مثابه یک شخصیت محصول یک دوره تاریخی و یک اقدام تاریخی معین بود. ظرفیت‌ها و جایگاه بیژن مستقل از نتایج مشی مسلحانه است. جایگاه بیژن نه از نتایج موفق یا غیرموفق مشی چریکی بلکه دقیقاً در تفکر و اقدام او برای تولد یک

جنبش چپ جدید، یعنی مستقل از حزب توده و سنت آن، قابل ارزیابی است. در شخصیت بیژن یک جنبش جدید است که سر برمی‌آورد. مصاحبه با آقای ابابعلی عرصه‌های دیگری را در بر گرفته و عمدتاً به نظرات بیژن و ارزیابی از این نظرات متمرکز است. وی در ابتدا نظرات بیژن را تشریح نموده و سپس ارزیابی خود از این نظرات را ارائه داده است. وی می‌نویسد: «نقش بازار و اقلیت رهبری روحانی به رهبری خمینی در انقلاب بهمن انکارناپذیر است. تجدید فعالیت و بیداری مجدد احزاب وابسته به جبهه ملی ایران به ویژه نهضت آزادی و تحرک رجال سیاسی چون سنجابی، فروهر، بختیار و غیره نیز امروزه جزئی از داده‌ها و فاکتورهای قابل انکار است. تمامی این داده‌ها با پیش‌بینی‌های جزئی درباره چگونگی تکوین انقلاب آتی ایران مطابقت دارند. منتهی تمامی این جریان‌ها، نه تنها در قبال انقلاب ایران موضع تریخ‌خواهانه اتخاذ نکردند، بلکه در برابر بیداری و بسیج جنبش‌های توده‌ای کارگران، دهقانان، اقلیت‌های ملی و دانشجویان نشستی ضدانقلابی ایفا نمود. بیژن جزنی خصلت تریخ‌خواه بورژوازی ملی را نه در ارتباط با

کشاورزان و دامداران و مردم مناطق زلزله‌زده شده، آنان را از جمله به کوره‌پزخانه‌ها کشانده است. وی گفت «امسال همه باید دست به دست هم بدهیم تا کارگران ایرانی بیکار نمانند».

منظور از کارگران خارجی و آنانی که اساساً از این «تدابیر» نهادهای حکومتی رژیم اسلامی آسیب خواهند دید، افغان‌هایی هستند که در کشور ما زندگی می‌کنند. آنان، با آغاز جنگ در افغانستان و در پی سیاست‌های آغازین حکومت اسلامی در اوآن در دست‌گیری قدرت، به میهن ما گریختند و قریب دو میلیون تن به ایران پناه آوردند. اینک که افغانستان در سایه جنگ و فرمان‌روایی هم‌تایان حکومتیان ایران به ویرانه‌ای درین بدل شده است، این پناهندگان و آوارگان که بخشی از آنان مستعدین دیروزین رژیم بودند، اینک به دشمنان مسئله‌ساز امروز و رهایی از «شر» آنان به یکی از اهداف زمام‌داران

«کارگران خارجی» نخستین قربانیان بیکاری و فلاکت

حسینی، نماینده اداره کل اتباع بیگانه وزارت کار تأکید کرد تحت هیچ شرایطی مجوز کار برای کارگران خارجی صادر نخواهد شد. بر اساس گفته او، که در برابر اعضای انجمن‌های صنعتی کارگران و کارفرمایان کوره‌پزخانه‌های ورامین و ۱۵۰ تن از کارفرمایان کوره‌پزخانه‌های این شهرستان سخن می‌راند، با مدیران خطی برخورد خواهد شد و کارفرمایانی که کارگران خارجی را به کار گیرند، باید در برابر دادگاه پاسخگو باشند. کارفرمایان کوره‌پزخانه‌ها نیز از ادارات کار خواستند تحت هیچ شرایطی مجوز استفاده از کارگران خارجی را صادر نکنند.

حسینی برای باز کردن انگیزه تدابیری از این دست گفت «از انصاف به دور است که هم‌وطنان ایرانی بیکار باشند و به خارجیان کار بسدیم.» او در جایی دیگر از گفته‌هایش افزود بارندگی کم و نیز زلزله در استان‌های خراسان و اردبیل موجب بیکاری و گرسنگی بسیاری از

مطالبات دمکراتیک، بلکه از (مبارزه ضداستعماری) آن استنتاج می‌کند. در ارزیابی از این تحلیل رفیق جزنی باید بگویم که تحلیل وی در خصوص مبارزه ضدامپریالیستی، خلق‌گرا (پوپولیستی) است. در دیدگاه جزنی مبارزه ضدامپریالیستی نمی‌تواند تریخ‌خواهانه و مترقی‌ست، و او خصلت طبقاتی مبارزه ضدامپریالیستی، و یا خصلت دمکراتیک این مبارزه را از یکدیگر تفکیک نمی‌کند. به باور من، دستگاه فکری جزنی اساساً به دلایل زیر ملهم از نگرشی خلق‌گرا (پوپولیستی) است: (الف) رفیق جزنی، صورتبندی اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران را سرمایه‌داری وابسته و تضاد اساسی آن را تضاد خلق با ضد خلق می‌پندارد. (ب) از نقطه‌نظر جزنی، روینای طبیعی سیستم سرمایه‌داری وابسته، دیکتاتوری خشن است، و دمکراسی تنها با استقرار حاکمیت خلق یعنی با در صورت استقرار دمکراسی ملی و یا دمکراسی توده‌ای پدید می‌آید. (ج) بخشی از بورژوازی ایران، بورژوازی ملی، به دلیل خصلت ضداستعماری ماهیت مترقی دارد، و اساساً مبارزه ضدامپریالیستی این قشر بخشی از جنبش رهاپخش ملی ایران را تشکیل می‌دهد.»

بیانیه مشترک جمهوریخواهان ملی ایران و حزب دمکراتیک مردم ایران

در باره انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری اسلامی

بردارد. ولی نامزدی آقایان ابراهیم یزدی، عزت‌الله سبحانی، حبیب‌الله پیمان و سایر کاندیداهای دگراندیش را خارج از دایره حاکمیت اگر از مانع شورای نگهبان بگذرد، می‌تواند زمینه یک مبارزه علنی برای آزادی احزاب و مطبوعات و سایر پیش‌شرط‌های یک انتخابات آزاد را فراهم آورد. از این نظر انتخابات ریاست جمهوری فرصت مناسبی برای فراخواندن هواداران آزادی به صحنه سیاسی و آشنایی مردم به حقوق و وظایف شهروندی خویش است. بدین جهت ما از نامزدی تمام آنهایی که برای گشایش فضای سیاسی، حاکمیت قانون و رعایت حقوق و آزادیهای مردم پا به میدان گذاشته‌اند پشتیبانی می‌کنیم و می‌کشیم با بسیج افکار و نهادهای بین‌المللی از حقوق آنان حمایت نمائیم و تقاضای آن را بر ملا سازیم. ما از تمام نیروهای آزادیخواه می‌طلبیم که به سهم خود برای تأمین آزادی و حقوق برابر نامزدهای دگراندیش و علیه نظارت استصوابی شورای نگهبان مبارزه کنند. اگر شرایط جامعه و توازن نیرو، شورای نگهبان را به تأیید تنی چند از نامزدهای خارج از مدار حاکمیت واداشت و آنها خود تشخیص دادند که حداقل شرایط برای مبارزه انتخاباتی و ماندن در صحنه وجود دارد، آنگاه ما مردم را به انتخاب

هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی تا یک ماه دیگر برگزار می‌گردد. این انتخابات نیز مانند سایر انتخاباتی که در ایران صورت می‌گیرد نه تنها به علت نقض حقوق اساسی مردم با معیارهای یک انتخابات آزاد خوانا نیست بلکه با قانون اساسی این نظام نیز در تناقض است. در این دوره نیز مانند دوره‌های پیشین از آزادی احزاب و مطبوعات خبری نیست و نظارت استصوابی شورای نگهبان همچنان گزینش و رای مردم را به نامزدهای مورد تأیید این شورا محدود می‌سازد. در آستانه این انتخابات چون خشنوت و ارباب در ایران افزایش یافته است، توطئه‌های رسوا علیه فرج سرکوهی و قتل ابراهیم زال‌زاده آخرین نمونه‌های سیاستی است که حیثیت و آزادی و امنیت و جان نویسندگان، هنرمندان و ناشران مستقل و دگراندیش را به مخاطره افکنده است. سرکوب کارگران پالایشگاه نفت و اعدام زندانیان سیاسی، سویه دیگر این سیاست استبدادی است. از این رو اگر تنها از دیدگاه پیش‌شرط‌های یک انتخابات آزاد و فضای سیاسی جامعه به این انتخابات بنگریم، پیشاپیش می‌توان دید که حکومت اسلامی حاضر نیست گامی در جهت مشارکت عمومی و ایجاد فضای گفتگو بین نیروهای سیاسی کشور

اطلاعیه سه تن از کاندیداهای

ریاست جمهوری

اما به‌رغم «آنچه گذشت» و به‌رغم آنکه از «جمهوریت» شبی نیز باقی نگذاشته‌اند و به‌رغم آنکه قانون اساسی را که میثاق ملت و حاکمیت بوده «موریه خورده است»، ما به عنوان نمایندگان از جریان مستقل ملی مذهبی به قصد: «تحصیل آزادی‌های مطرح در قانون اساسی و مبارزه با انحصارطلبی»، «فعال کردن مردم برای دفاع از حقوق حقه خود»، «دفاع تاریخی از موجودیت و هویت خویش»، «رسیدن به آستانه فعالیت‌های علنی - قانونی» به صحنه انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری گام نهاده‌ایم. اما همچون تمامی دورانی که از آن یاد شد و همچنانکه پیش‌بینی می‌نمودیم در این صحنه جدید نیز، استفاده انحصاری از امکانات از آن نامزدهای درون حاکمیت و محرومیت از امکانات نیز از آن ماست. بدین طریق به آگاهی شما مردم رنج دیده می‌رسانیم با گذشت

آقایان عزت‌الله سبحانی، علی‌اکبر معین‌فر و ابراهیم یزدی طی اطلاعیه‌ای به شرایط غیردمکراتیک حاکم بر انتخابات اعتراض کرده‌اند. در این اطلاعیه آمده است: بیش از پانزده سال است که جریان انحصارطلب و تمامیت‌خواه حاکم با توسل به شیوه ارباب و خشنوت و یکبار بستن رویه‌هایی اساساً غیرقانونی، حیات و بقای نیروهای فکری سیاسی خارج از خود را تا مرز نابودی به خطر انداخته است. در طی این سالهای تیره و غمبار و بی‌شوق و بی‌بهار با شکستن قلم‌ها، تعطیل جرایم، بستن دفاتر، قتل‌زدن به تربیت‌ها و ایجاد تنگناهای روزافزون، آزادی به کنج عزلت و اسارت گرفتار آمد و ما نیز به عنوان نیروهای ایرانی‌خواه و مستقل ملی - مذهبی که پیوسته خواهان مبارزه سیاسی علنی در چهارچوب قانون اساسی بوده‌ایم، از امکانات حقه محروم و تحت فشارها و مضایق گوناگون بسر برده‌ایم. حال آنکه گروه‌های قدرت درون حاکمیت جمهوری اسلامی با استفاده انحصاری دم‌افزون از همه تریبون‌ها و جرایم متعدد و شبکه‌های رادیو و تلویزیونی، سرخوشانه در امکانات «غوطه‌ورند» و ملک و ملت را زیر رگبار بی‌امان تبلیغات یکسویه قرار داده‌اند.

مصاحبه اتحاد کار با اصغر ایزدی و باباعلی

درباره بیژن جزنی

می‌خورد. در شرایطی که بسیاری از کادرها و رهبران جنبش چریکی آشکناب‌شان حتی با آثار کلاسیک مارکسیستی، بسیار نازل بود و اساساً هیچ اعتقادی به بالا بردن معلومات و دانش سیاسی خود نداشتند، (از دیگر زمینه‌ها چون فرهنگ و هنر و ادبیات چیزی نمی‌گویم) آنگاه می‌توان به منحصر بفرد بودن بیژن در کل جنبش چپ انقلابی پی برد. او می‌توانست تسلائی‌گانه جنبش چپ، جنبش دمکراتیک و جنبش روشنفکری کشور باشد. این همه باعث می‌شد که بیژن یک کاراکتر چندجانبه‌ای را نمایندگی کند. و از همین لحاظ هست که بیژن می‌توانست به مثابه یک شخصیت چپ در تاریخ معاصر ایران حضور داشته باشد. بطور خلاصه دوره تاریخی که از سرگذرانده بود، توانایی‌های فکری و چندجانبه‌گی‌اش به او موقعیت یک شخصیت واتنی چپ را می‌داد. و من فکر می‌کنم ما با از دست دادن بیژن در واقع وجود چنین شخصیتی را از دست دادیم. به عبارت دیگر چپ ما با از دست دادن بیژن فاقد شخصیت و اتوریته شد.

مبدل گردیده بود و در جوار آن نوع‌نگاه به سیستم شوروی و شعار طرح‌شده توسط بیژن یعنی نفی دیکتاتوری شاه نیز موضوعات پراهمیت مورد اختلاف بود و در آن سالها این دو گروه هر چه بیشتر از هم فاصله گرفتند و تا سالها بعد که بخش بزرگی از هر دو گروه مبارزه مسلحانه را چه به عنوان محور مبارزات و چه به عنوان هم استراتژی و هم تاکتیک نفی کردند این مباحث ادامه داشت.

در ادامه مباحثه و در رابطه با شخصیت بیژن می‌گوید: او کسی بود که توانایی فکری در زمینه‌های مختلف حیات اجتماعی، تیزبینی سیاسی و تاکتیکی و قدرت سازماندهی همه را یکجا داشت. سیاست، فرهنگ و تاریخ در بیژن گره

در نشریه اتحاد کار ماه گذشته به مناسبت سالگرد شهادت بیژن جزنی دو مصاحبه توسط رفیق مصطفی مدنی با رفقا اصغر یزدی و باباعلی درج گردید.

اصغر ایزدی در مصاحبه خود وقایع سالهای ۵۳ - ۵۱ در زندان و مناسبات خود با بیژن جزنی را تشریح کرد. نقش ویژه بیژن را در درون فدائیان به عنوان فردی که محصول دوران تاریخی خاصی بود و در سطح رهبری جنبش چپ ایران قرار داشت تشریح کرده و توضیح می‌دهد که دیگر فدائینی که در زندان و یا در خارج از زندان در درون سازمان بودند همگی اعضا و کادراهی معمولی بودند و فاصله عظیمی با بیژن داشتند. وی در مصاحبه خود مباحث اصلی را که فدائیان را در زندان به دو گروه طرفداران مسعود احمدزاده و هواداران بیژن تقسیم نموده تشریح می‌کند که در این مباحث اعتقاد و یا نینتی وجود شرایط عینی انقلاب به سאלه مرکزی

نامه سرگشاده به اجلاس لوکزامبورگ

لوکزامبورگ می‌خواهیم:

- ۱ - به سیاست شکست خورده موسم به «گفتگوری انتقادی» با رژیم جمهوری اسلامی پایان داده شود و روابط سیاسی او را با این رژیم به سطح حداقل ضروری تنزل یابد و گسترش آن منوط به پایان گرفتن تروریسم دولتی، رعایت حقوق بشر در ایران و سپردن ضمانت‌های کافی در این زمینه گردد.
- ۲ - پرداخت وام و اعتبار به دولت جمهوری اسلامی ایران تا موقعی که این دولت عملاً خود را متعهد به رعایت حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی نشان ندهد، متوقف گردد.
- ۳ - به هرگونه روابط پنهانی کشورهای اروپایی با سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران پایان داده شود و قراردادهای و مراغه‌نامه‌های امنیتی گذشته افشا گردد.
- ۴ - شبکه‌های اطلاعاتی و ترور رژیم جمهوری اسلامی در اروپا که تحت پوشش نمایندگی‌های دولتی، سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و انوع شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی و مبادلات فرهنگی فعالیت داشته باشند، برپایه‌های لازم برای پیگرد قضایی سایر ترورهای سیاسی ایرانیان در سطح اروپا فراهم شود و علاوه بر تشکیل دادگاه‌های مستقل در هر یک از کشورهای ذیربط، مجموعه پرونده‌های مربوط به ترور مخالفان سیاسی رژیم حاکم بر ایران به یک دادگاه ذیصلاح بین‌المللی ارجاع گردد.

از سوی تعدادی از کانون‌ها و انجمن‌های دموکراتیک نامه سرگشاده‌ای خطاب به وزرای امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا فرستاده شد که در بخشی از آن آمده است: تردیدی نیست که نتیجه دادگاه «میکونوس» را می‌توان یک پیروزی بزرگ در مبارزه آزادیخواهان ایران و جهان علیه تروریسم دولتی و در راستای دفاع از حقوق بشر، آزادی و دمکراسی در ایران ارزیابی کرد. اهمیت تاریخی این دادگاه بویژه از آن جهت است که تروریسم دولتی جمهوری اسلامی پس از دست‌یازیدن به تعداد بیشماری آدم‌ربایی و ترور سیاسی در خارج از ایران برای اولین بار و با اتکا به اسناد و مدارک انگارناپذیر در یک دستگاه قضایی به اثبات می‌رسد. باید توجه داشت که تهدید، بازداشت، آدم‌ربایی، شکنجه و اعدام مخالفان بخشی از دستور کار مداوم سیاست داخلی رژیم حاکم بر ایران می‌باشد و هنوز هیچ مرجع قضایی در مورد ایجاد وحشتناک این جنایت‌ها در داخل ایران به بررسی و رسیدگی نپرداخته است. به نظر ما رای دادگاه «میکونوس» می‌تواند و باید آغازی باشد برای تغییر رفتار دولت‌های دمکرات در برابر رژیم توتالیتر حاکم بر ایران.

ما تشکل‌های زیر به عنوان بخشی از اپوزیسیون دمکرات و آزادیخواه ایران در خارج از کشور از نشست مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در

- ۱ - جامعه ایرانیان آزادیخواه - برلین - آلمان
- ۲ - جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دمکراسی در ایران - بلژیک
- ۳ - تلاشگران جامعه باز - فرانکفورت - آلمان
- ۴ - کانون دفاع از دمکراسی در ایران - مالمو - سوئد
- ۵ - انجمن پژوهشگران ایران - فرانسه
- ۶ - جمعیت ایرانیان دمکرات - کلن - آلمان
- ۷ - کانون دفاع از دمکراسی در ایران - نیویورک - آمریکا
- ۸ - کانون دفاع از حقوق بشر و دمکراسی در ایران - تورنتو - کانادا
- ۹ - کانون ایرانیان دمکرات - شیکاگو - آمریکا
- ۱۰ - کانون فرهنگی سیاسی ایرانیان - هامبورگ - آلمان
- ۱۱ - فرهنگرای ایران و نروژ - نروژ

شب همبستگی با هنرمندان و زندانیان سیاسی در ایران

بنا به اطلاع جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دمکراسی در ایران - بلژیک، کانون نویسندگان ایران در تبعید شب همبستگی با هنرمندان و زندانیان سیاسی در ایران را با شرکت فریدون تنکابنی - طنزپرداز، اسد سیف - نویسنده، هادی جامعی - مترجم و نویسنده، نسیم خاکسار - نویسنده و شاعر، بتول عزیزپور - شاعر، رضا مرزبان - محقق و روزنامه‌نگار برگزار می‌کند.

زمان: شنبه ۳۱ مه ساعت ۱۸ مکان: Av. دانشگاه ULB PAUL HEGER SALLE DELVAUX 1050 Bruxelles

کمک‌های مالی رسیده

کمک مالی به نشریه کار از طرف رفقای یوتیویری
کمک به خانواده شهید: از طرف ن - بهمن
سیمین رضا
۶۶۰ کرون
۴۰۰ کرون
۲۰۰ کرون
۲۰۰ کرون

<p>فرم درخواست اشتراک</p> <p>اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:</p> <p>مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:</p> <p>نام: Name:</p> <p>نشانی: Address:</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس پست کنید!</p>	<p>بهای اشتراک</p> <p>اروپا:</p> <p>شش ماهه - ۴۵ مارک</p> <p>یک ساله - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>شش ماهه - ۵۲ مارک</p> <p>یک ساله - ۱۰۴ مارک</p> <p>GER.....3 DM</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.</p> <p>Verleger: I.G.e.v</p> <table border="1"> <tr> <td>دارنده حساب:</td> <td>I.G.e.v</td> </tr> <tr> <td>شماره حساب:</td> <td>22 44 20 32</td> </tr> <tr> <td>کد بانکی:</td> <td>37 05 01 98</td> </tr> <tr> <td>نام بانک:</td> <td>Stadtparkasse Köln Germany</td> </tr> </table> <p>شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90</p>	دارنده حساب:	I.G.e.v	شماره حساب:	22 44 20 32	کد بانکی:	37 05 01 98	نام بانک:	Stadtparkasse Köln Germany
دارنده حساب:	I.G.e.v									
شماره حساب:	22 44 20 32									
کد بانکی:	37 05 01 98									
نام بانک:	Stadtparkasse Köln Germany									

همکاری چین و روسیه برای ایجاد «جهان چند قطبی»

پیروزی بزرگ حزب کارگر بریتانیا

زمینه، ماهیت و پیامد

بدنبال انجام انتخابات عمومی در بریتانیا که متشکل است از انگلیس، اسکاتلند، ویلز و ایرلند شمالی، حزب کارگر به رهبری تونی بلیر با اکثریت فوق العاده چشمگیری پیروز شد و به حکومت ۱۸ ساله محافظه کاران پایان داد. این رویداد سرچشمه و نیز حاصل تغییرات معینی در حیات سیاسی و اجتماعی کشور و نیز منشأ تحولی در رابطه با اتحادیه اروپا و نیز امریکاست. تحلیل و شناخت ماهیت پیروزی و پیامدهای داخلی و خارجی آن این روزها در مرکز توجه تمام محافل سیاسی در این کشور، در اروپا و در سایر نقاط جهان قرار دارد. بسیار طبیعی است که در این زمینه از جانب محافل سیاسی و اجتماعی مختلف ارزیابی‌ها و تأکيدات مختلف و حتی متضاد ارائه شود. چرا که هر تحلیل و ارزیابی نهایتاً محصول دیدگاههای ایدئولوژیک و در خدمت آنهاست و آنچه در زیر آمده است نیز از این خصوصیت بری نیست.

تصویر

حزب کارگر با بدست آوردن ۴۱۹ کرسی بزرگترین اکثریت پارلمانی را در طول دو قرن اخیر بدست آورده است. حزب محافظه کار بیش از نیمی از کرسی‌های خود (۱۷۷ کرسی) را از دست داد و فقط ۱۶۵ کرسی را حفظ کرد و این کمترین تعداد کرسی‌ها از ۱۹۰۶ تاکنون است. برای اولین بار احزاب محافظه کار در اسکاتلند، ویلز و ایرلند شمالی فاقد حتی یک نماینده شدند. حزب لیبرال دموکرات که سومین حزب بریتانیا است به ۴۶ کرسی دست یافت که بیش از دو برابر کرسی‌های آن در مجلس قبلی است.

ناسیونالیست‌های اسکاتلند نمایندگان خود را از ۳ به ۶ رساندند. اسکاتلند در پارلمان حدود ۷۰ نماینده دارد. در ایرلند شمالی رهبران شین فین جری آدامز و جان مک‌گینیس با اکثریت بزرگ در منطقه کاتولیک نشین پیروز شدند. اما آن دو از حضور در پارلمان امتناع خواهند کرد.

میزان چرخش آرا مردم از سوی محافظه کاران بسوی حزب کارگر بی‌سابقه بوده است. متوسط این چرخش حدود ۵/۱۰ درصد است. در جنوب شرقی انگلیس، به شمول لندن، که پایگاه اصلی محافظه کاران بوده است چرخش بسوی حزب کارگر باز هم بیشتر بوده و در برخی حوزه‌ها حتی به ۲۰ درصد نزدیک شد. مطابق نتایج نهایی انتخابات بریتانیا ۴۴ درصد به حزب کارگر، ۳۱ درصد به محافظه کاران، ۱۷ درصد به لیبرال دموکرات‌ها و ۷ درصد به بقیه احزاب رای داده‌اند. میزان مشارکت ۷۲ درصد و کمی کمتر از دوره قبل بوده است. تعداد نمایندگان زن در پارلمان از ۶۳ به ۱۲۰ افزایش یافت. از این تعداد ۱۰۰ نماینده از حزب کارگر است. برای اولین بار یک مسلمان، محمد سرور، از شهر گلاسکو، به پارلمان راه یافت.

علل

اولین سئوالی که این نتایج مطرح می‌کند اینست که چه رخ داده که چرخشی تا این حد پر معنی و قاطع در آرا مردم پدید آمده است؟ این سئوال وقتی جدی‌تر می‌شود که توجه کنیم وضع اقتصادی کشور از بعد از انتخابات ۹۲ مدام رو به بهبود بوده است: بیکاری - با هر معیاری - مدام رو به کاهش رفته، تورم کاملاً مهار

دیگر قرارداد از جمله فروش راکتورهای اتمی و ایجاد خط لوله نفت به شانگهای که مورد علاقه شدید روسیه است، قرار شد که در سفر آینده چرنوبیل به چین که در ماه ژوئن انجام خواهد گرفت مذاکرات این دو ادامه یابد و مبادله اقتصادی دو کشور که اکنون ۶ میلیارد دلار است در سالهای آتی تا ۱۲ میلیارد دلار افزایش یابد. همچنین تمرکز نظامی دو کشور در مرز ۷۰۰۰ کیلومتری ۱۵ درصد کاهش می‌یابد. این قرارداد همچنین به امضای کشورهای کازاخستان، قرقیزستان و تاجیکستان می‌رسد.

دهه گذشته بحران‌های دوره‌های متعددی را پشت سر گذاشته است. یک‌تازی آمریکا در عرصه سیاسی و پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم باعث گردید که روابط سرد این دو کشور از سال ۱۹۸۹ بتدریج رو به بهبود رود و در موارد مهمی آنان را بهم نزدیک‌تر کرده است.

روسیه «ابر قدرت» سابق و چین «ابر قدرت» آینده اکنون در پی ایجاد یک قطب جدید برآمده‌اند. در دیدار رهبران دو کشور، قراردادهای اقتصادی نیز مورد بحث قرار گرفت. غیر از یک سری قراردادهای سدسازی و فروش تسلیحات روسیه به چین، دو مورد

هفته گذشته، چنانگ زمین رهبر دولت و حزب کمونیست چین از مسکو دیدار کرد. در پایان این دیدار اطلاعیه سیاسی مهمی در زمینه سیاست خارجی مشترک دو کشور انتشار یافت. این دومین تلاش دو کشور در یک سال گذشته برای تعیین و اعلام خط مشی مشترک در این عرصه می‌باشد. آنها ضمن تأکید بر «پیمان‌های مشترک استراتژیک» نظم جهانی تک‌قطبی را مورد انتقاد قرار دادند و اعلام کردند که همکاری‌های خود را در راستای تشکیل جهان چند قطبی عمیق می‌دهند و با هژمونی قطب سیاسی جهانی مقابله خواهند کرد.

روز جهانی آزادی مطبوعات

● در سال گذشته ۳۸ خبرنگار جان خود را از دست دادند

خود می‌ماند ولی کولودف در پی حمله‌ای به قتل می‌رسد. دو نمونه از روزنامه‌نگاری مستقل که به گزارش یونسکو، سازمان فرهنگی سازمان ملل اکنون چه در غرب و چه در شرق بطور جدی در خطر است. البته ارقام بیش از همه نشان دهنده سرکوب روزنامه‌نگاری در کشورهای استبداد زده می‌باشد. به مناسبت روز جهانی آزادی مطبوعات انستیتی خبری جهانی IPI در وین، گزارش می‌دهد که ۳۸ خبرنگار حین انجام وظیفه در سال ۹۶ جان خود را از دست دادند. از جمله ۱۱ خبرنگار در

هنگامی که «باب وودوارد» و «کارل برنشتاین» ماجرای واترگیت را در روزنامه واشنگتن پست افشا کردند، به چنان بحران داخلی منجر شد که در پی آن ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت که از ماجرای استراق سمع در محل نمایندگان کنگره خبر داشت، مجبور به استعفا شد.

خبرنگار جوان دیمیتری کولودف سه سال پیش از ماجرای مایایی قاجاق اسلحه در نیروهای نظامی پرده برمی‌دارد که سر نخ آن به بالاترین مقامات سیاسی و حتی به وزیر دفاع وقت گراچف می‌رسد، گراچف در مقام

قتل عام چریک‌ها در پرو

گروگانهای آزاد شده خبر دادند که بسیاری از چریکها بعد از اینکه تسلیم شده بودند، اعدام شدند - تصمیم گرفته شده بود که در پایان عملیات هیچ چریکی زنده نماند - برز اسکول برنده جایزه صلح نوبل از آرژانتین این



عملیات را یک قتل عام نامید. فوجی مورور رئیس جمهوری پرو از ابتدای گروگانگیری توسط چریکها، در پی عملیات خشونت آمیز بود ولی برخی فشارهای بین‌المللی مانع انجام آن شد. در حالی که کمیته‌ای در طی این مدت ظاهراً سرگرم حل مسائل و پیشبرد مذاکرات بود، او در پس پرده کوماندهوایی را برای حل مسئله طبق اسلوب خود یعنی یورش و اعدام چریکها آموزش می‌داد. مسئله آزادی فشار و سرکوب بیشتری از طرف دولت پرو قرار خواهند گرفت.

ساعت سه و نیم روز ۲۳ آوریل، حدود ۱۴۰ کوماندوی گارد ویژه پرو، سفارت ژاپن را که از چهار ماه قبل توسط چریکهای توپاک آمارو برای بدست آوردن برخی مطالبات سیاسی، برخی مقامات ژاپنی و پرو را به گروگان گرفته بودند، مورد حمله قرار دادند.

با استفاده از اطلاعاتی که سرویس مخفی پرو، از طریق استراق سمع بوسیله لوله‌های آب، تعبیه دوربین در هلی‌کوپترهایی که گشت می‌زدند، کارگذاری میکروفن‌های مخفی بدست آورده بود، لحظه مناسب را برای حمله به چریکها در ساعتی که برخی از آنها در حال بازی فوتبال روزانه بودند، مناسب دید. گارد ویژه با ورود از طریق تونلی که حفر شده بود، با ایجاد انفجار چریکها را غافلگیر کردند. با اسم رمز عملیات چاوین (شهری در شمال پرو که با آثار تاریخی‌اش از جمله توتل‌های تو در توتیش معروف است) به محل حمله برده، چریکها را به قتل رساندند. یکی از اعضای عالی‌رتبه FBI به شبکه خبری CNN گفت که این کوماندهوای ویژه از مدت‌ها قبل در آمریکا به این منظور تعلیم دیده بودند. قبلاً سخنگوی امور خارجه آمریکا اعلام کرده بود که آمریکا از هر گونه آموزش و مشاوره در مورد حمله نظامی به چریکها خودداری خواهد کرد. رهبری توپاک آمارو همکاری آمریکا و پرو را محکوم کرد و اعلام کرد که مبارزه خود را علیه رژیم ترور فوجی‌مورو در سطح جهانی ادامه خواهد داد.

روزنامه‌های جهان، روز بعد به نقل از شاهدان عینی، کوماندهوایی که در عملیات شرکت داشتند، و



حاکم است. در درون حزب این کار از طریق ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار و در برنامه حزب و نیز از طریق کوبیدن قاطع مخالف‌خوانی‌های درون حزبی با هدف تحکیم اراده واحد حول رهبری واحد صورت گرفت. این تحولات در شکل‌دهی یک تصور همگانی از «حزب کارگر نوین New Labour» در اذهان مردم نقش عمده ایفا کرد. افکار عمومی باور کردند که حزب کارگر قدرت آن را دارد که خود را تغییر دهد بی آنکه صفوف حزب از هم بپاشد و یا شقه شود.

در رابطه با جامعه و لایه‌های اجتماعی مختلف آن تأکید رهبری حزب آن بود که این ذهنیت را تقویت کند که حزب کارگر دیگر نه فقط حزب اتحادیه‌های کارگری - همواره نیروی اصلی رای دهنده به حزب کارگر بوده است - بلکه حزب وسیع‌ترین لایه‌های اجتماعی، حزب پیشرفت و عدالت است. در این راستا رهبری حزب طی سال‌های اخیر کوشید مجموعه‌ای از سیاست‌ها و موضع‌گیری‌ها را عرضه کند که در افکار عمومی این تلقی پدید سیستم آموزش بهبود خواهد یافت (چلب آرا جوانان) سیستم درمان همگانی رایگان از تعرض خصوصی شدن مصون خواهد شد (چلب نظر وسیع‌ترین لایه‌های اجتماعی)، صندوق بازنشستگی دولتی حفظ خواهد شد (آرا سالمندان) و سرمایه‌های فرد از صونیت بیشتری برخوردار خواهند بود. به علاوه سیاست‌های حزب کارگر مردم را به این نتیجه رسانیده بود که اگر آنها پیروز شوند در رابطه با اتحادیه اروپا زمینه نزدیکی و همکاری بیشتری بوجود خواهد آمد.

از سوی دیگر طی دهه اخیر حس ملی و تمایلات گریز از مرکز در اسکاتلند و ویلز رشد معین داشته ادامه در صفحه ۱۱